

ORIGINAL ARTICLE

Exploring the Hidden Aspects of Dwelling with a Semantic Approach in Social Housing (Case Study: Social Housing Settlements in Hamedan)

Shima Eslampour¹, Saiid MirRiahi², Susan Habib³

1. Ph.D. Student in Architecture, Department of Architecture, Professor Hesabi Branch, Islamic Azad University, Tafresh, Iran.

2. Associate professor, Department of Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Architecture, Professor Hesabi Branch, Islamic Azad University, Tafresh, Iran.

Correspondence

Saiid MirRiahi

Email: Saiid.MirRiahi@gmail.com

How to cite

Ealampour, Sh.; MirRiahi, S.; Habib, S. (2023). Exploring the Hidden Aspects of Dwelling with a Semantic Approach in Social Housing (Case Study: Social Housing Settlements in Hamedan), Physical Social Planning, 8 (29), 15-40.

ABSTRACT

In recent years, following the increase in population and migration to cities, social housing has been proposed as one of the ways to respond to housing needs. Since social housing is considered a new experience in Iran, the study of housing seems necessary due to the ever-increasing expansion of such housing in cities. With this work, clear scientific foundations can be created in the design of social housing in accordance with human needs. The purpose of this article in the first part is to explain the dimensions of hidden housing in accordance with human needs with a semantic approach and in the second part to comprehensively analyze the dimensions of hidden housing in the social housing of Hamadan city in order to achieve design and implementation policies to improve the quality of housing. The present study was conducted in the field of architecture using a combined method and using content analysis, with a semantic approach. The first part of the data was collected qualitatively using interviews and the second part was collected through a quantitative method. First, based on the documents, the concepts and theories related to living and realizing the dimensions of human existence in the place were studied. Then, the data have been analyzed in the first part, using coding. In the second part, the data obtained in the first part were put into a questionnaire and evaluated using SPSS software and statistical methods such as t-test, Friedman and factor analysis. According to the studies, four dimensions including physical-spatial, social-cultural, perceptual-aesthetic and ecological-environmental dimensions are in accordance with human needs. Among the dimensions mentioned, the socio-cultural dimension is more important than other dimensions in achieving the concept of living in housing. After that, physical-structural, environmental and finally perceptual-aesthetic dimensions are in the next levels, respectively. Therefore, it is possible to improve the quality, realize real human habitation and peace in such settlements by providing solutions in design, according to each dimension.

KEYWORDS

Existential Dimensions, Human, Residence, Hamadan City, Social Housing.

نشریه علمی

برنامه‌ریزی توسعه کالبدی

«مقاله پژوهشی»

واکاوی ابعاد پنهان سکونت با رویکردی معناشناسانه در مسکن اجتماعی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی در همدان

شیرا اسلام‌پور^۱، سعید میرریاحی^{۲*}، سوزان حبیب^۳

چکیده

مسکن اجتماعی در سال‌های اخیر به‌دنبال افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها، به عنوان یکی از راه‌های پاسخ‌گویی به نیاز مسکن مطرح شده است. از آنجا که در ایران مسکن اجتماعی، تجربه‌ای کم و بیش جدید محسوب می‌شود، در این راستا تحقق امر سکونت، به دلیل گسترش روزافزون چنین مسکن‌هایی در شهرها، ضروری به نظر می‌رسد، تا بتوان پایه‌های علمی روشنی در طراحی و در مطابقت با نیازهای انسان ایجاد نمود. هدف مقاله حاضر در بخش اول تبیین ابعاد پنهان سکونت مطابق با نیازهای انسان با رویکردی معناشناسانه و در بخش دوم واکاوی ابعاد پنهان سکونت به‌طور جامع در مسکن اجتماعی شهر همدان به‌منظور دستیابی به سیاست‌های طراحی و اجرایی، در جهت ارتقاء کیفیت اینگونه از مسکن است. این مقاله به‌روش آمیخته و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، با رویکردی معناشناسانه و در حوزه معماری انجام شده است. بخش اول داده‌ها بصورت کیفی با استفاده از مصاحبه و در بخش دوم از طریق روش کمی انجام شده است. در این ارتباط ابتدا با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، به مطالعه مفاهیم، نظریه‌های مرتبط با مفهوم سکونت و تحقق ابعاد وجودی انسان در مکان پرداخته شده است. در ادامه، داده‌ها در بخش اول، با استفاده از کدگذاری، تحلیل شده‌اند. در بخش دوم، داده‌های به‌دست آمده در بخش اول، به‌صورت پرسشنامه درآمده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری همچون آزمون تی، فریدمن و تحلیل عاملی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. با توجه به مطالعات انجام شده، چهار بعد شامل کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی، ادراکی-زیباشناختی و زیست‌محیطی، ابعاد پنهان سکونت، هر کدام اشاره به بعدی از وجود انسان و در مطابقت با نیازهای او قرار دارند. در بین ابعاد یافت شده، برای انسان بعد اجتماعی-فرهنگی در درجه اول نسبت به سایر ابعاد، در دستیابی به مفهوم سکونت در مسکن تأثیر دارد. پس از آن به ترتیب ابعاد کالبدی-ساختاری، زیست‌محیطی و نهایتاً ادراکی-زیباشناختی در درجات بعدی قرار دارند، لذا در این راستا می‌توان با ارائه راهکارهایی در طراحی، متناسب با هر بعد، موجب ارتقاء کیفی، تحقق سکونت واقعی و آرامش انسان در چنین سکونتگاه‌هایی شد.

واژه‌های کلیدی:

ابعاد وجودی، انسان، سکونت، شهر همدان، مسکن اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد پرفسور حسایی، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه معماری، واحد پرفسور حسایی، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.

نویسنده مسئول:

سعید میرریاحی

ایمانامه: MirRiahi@gmail.com

استناد به این مقاله:

اسلام‌پور، شیرا؛ میرریاحی، سعید؛ حبیب، سوزان (۱۴۰۲). واکاوی ابعاد پنهان سکونت با رویکردی معناشناسانه در مسکن اجتماعی؛ مطالعه موردی: سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی در همدان فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۸ (۲۹)، ۴۰-۱۵.

مقدمه

مقاله حاضر به دنبال واکاوی و ارزیابی ابعاد پنهان سکونت با رویکردی معناشناختی در مسکن اجتماعی و در حوزه معماری است، در بخش اول به تبیین ابعاد پنهان سکونت پرداخته و در بخش دوم در پی آن است تا ابعاد پنهان سکونت را بصورت عمومی در مسکن اجتماعی شهر همدان واکاوی نماید، لذا به طبع آن جامعه آماری پژوهش را ساکنینی تشکیل می‌دهند که تجربه زیست در چنین مسکنی را داشته‌اند. در این راستا مقاله حاضر، با شناخت حساسیت موضوع مسکن، در پی پاسخ به پرسش‌های همچون چگونه انسان می‌تواند در مکانی (مسکن) به مفهوم حقیقی سکونت برسد؟، ابعاد پنهان سکونت با رویکردی معناشناختی، در مسکن اجتماعی کدامند؟ و اولویت‌های ابعاد پنهان سکونت در مسکن اجتماعی چیست؟

پیشینه تحقیق در دو حوزه معناشناسی مسکن و مسکن اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه مطالعات انجام شده در حوزه مسکن، از نظر نقره‌کار و رئیس (۱۳۹۰)، از مهم‌ترین مسائلی که طی سال‌های اخیر توجه مجامع دانشگاهی و همچنین سازمان‌های اجرایی را به خود جلب نموده، معضلات مسکن معاصر ایرانی است. مسکن معاصر ایرانی قابلیت پاسخگویی جامع به نیازهای خانواده‌های ایرانی اعم از نیازهای فرهنگی، اجتماعی، معنایی، عملکردی و غیره را نداشته و این امر سبب شده میزان رضایتمندی از مسکن معاصر ایرانی در مقایسه با مسکن سنتی ایرانی به میزان قابل توجهی کاهش یابد (نقره‌کار و رئیس، ۱۳۹۰: ۱۲). از نظر حجازی و مهدیزاده سراج (۱۳۹۳)، در معماری اسلامی ایران، معنا در کنار عواملی همچون زیبایی، سازه و شکل، معمار را قادر می‌ساخته تا نقشی از جهان معنا را در عالم مادی متجلی سازد. آن‌ها گرایش به معناگرایی در معماری ایران را محصول نگرشی می‌دانند که این معماری به هستی و وصول به مرتبه ذات احدیت دارد. آن‌ها ادراک کلیت از ظاهر تا نهان (معنا) را مسئله گمشده در بین طراحان امروزی می‌دانند (حجازی و مهدیزاده سراج، ۱۳۹۳: ۲۰). از نظر کبیری سامانی، ملکوتی و یادگاری (۱۳۹۵)، امروزه نگاه به مقوله مسکن و سکونت تا حد زیادی مادی و به امری مانند سود و سرمایه تنزل پیدا کرده است. حریم، حرمت، انس، سکون و آرامش و سایر مفاهیمی که به تعالی و بزرگی روح انسان کمک می‌کند، در حوزه برنامه‌ریزی امروزی مورد غفلت قرار گرفته است. از نظر آن‌ها با پیوند صورت و معنا و بازخوانی معانی مکتون در پس هندسه از یک سو و حرکت از معنا به صورت از سوی دیگر، می‌توان الگوهای سکونت را استخراج و الگویی برای نحوه ساخت مسکن در دوره امروز در

معماری مسکونی ایران در طول تاریخ، نمونه‌های ارزنده و بی‌نظیری به عرصه هنر معماری تقدیم کرده است. نمونه‌هایی که مصادیق بی‌بدیلی از فضای انسانی و در خور حیات و طبیعت انسان را به نمایش می‌گذارند. متأسفانه معماری ایرانی و به تبع آن معماری مسکونی در ایران با ورود الگوهای غربی زیستن که با زندگی ایرانی ناهماهنگ بود، کیفیت سکونت در معماری ایران را روز به روز رو به افول نهاد. ورود معماری غربی علاوه بر آنکه به همراه خود الگوی زندگی غربی را به حیات ایرانی تزریق کرد، آن را از کیفیات گوناگون پیشین خود تهی ساخت. در سال‌های اخیر، به دنبال تغییرات در حوزه‌های مختلف، یکی از سیاست‌های دخالت دولت در برنامه‌های توسعه ایران، جهت تأمین مسکن و در جهت رفاه اجتماعی، مسکن اجتماعی^۱ بوده است که به عنوان یکی از اشکال پاسخگویی به نیاز مسکن است و در طی سال‌های اخیر، محلی برای سکونت گروه‌های متوسط و نسبتاً مرفه هم بوده است. با توجه به آنکه در ایران، تجربه مسکن اجتماعی، تجربه‌ای کم و بیش جدید محسوب می‌شود که با نگاهی جامع‌نگر پیش می‌رود (وزیری-زاده، ۱۳۹۷: ۵۱)، از مشکلات اینگونه از مسکن این است که طرح‌های اجرا شده، از نمونه‌های اجرا شده در کشورهای اروپایی الگو برداری شده و نگاه به آن صرفاً در قالبی کمی و فیزیکی بوده است. معماری اینگونه از مسکن، به دور از توجه به نیازهای انسانی در خدمت منافع و ضروریات مصرف‌گرایی قرار گرفته و موجب اشاعه مکان‌های فاقد معنا شده است. عدم توجه به ارزش‌ها و معانی، موجب یکنواختی و شباهت آن‌ها شده و سبب گشته مسکن امروزی فاقد معنا و انسان سرگشته و بی‌خانمان باشد. نگاه کمی‌نگر، در ساخت چنین سکونتگاه‌هایی موجب شده کیفیت فضای زندگی انسان و نیازهای اساسی آن به موضوعی فرعی تبدیل شود. در عصر حاضر چنین سکونتگاه‌هایی، فقط ساکنانش را در خود جای داده است، سکونتگاه‌هایی با نگاه خوابگاهی صرف که در آن‌ها توجه کمتری به جنبه‌های گسترده مسکن از جمله مسئله سکونت شده است، در حالیکه بکارگیری معنا به عنوان عامل کیفیت-بخشی، در مکان می‌تواند در جهت ارتقاء کیفی، مفهومی، معنوی و بصری کمک شایانی نماید. در این راستا تحقق امر سکونت بارویکردی معناشناختی در جهت پاسخگویی به نیازهای مادی، معنوی، روانی و اجتماعی و در جهت ایجاد آرامش برای انسان، به دلیل گسترش روزافزون چنین سکونتگاه‌هایی در شهرها، ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور

براساس اهداف اجتماعی معرفی نموده‌اند که از طریق آن می‌توان با مطالعه دقیق در انتخاب مکان ساخت، طراحی مناسب فضای داخلی، بهبود وضعیت خدمات‌رسانی و توجه به ابعاد زیست‌محیطی، گامی مهم برای بهبود و رفع مشکل اینگونه از مسکن برداشت (سقای و همکاران، ۱۳۹۸:۱۹۳). با توجه به مطالعات انجام شده، آنچه در بین تحقیقات داخلی مغفول مانده و دلیل تفاوت رویکردی و روش شناسایی مقاله حاضر سه موضوع اساسی است. موضوع اول آنکه پژوهش‌های انجام شده در حوزه مسکن اجتماعی با اتخاذ یک موضع تقریباً مشترک از منظر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است و در هیچ یک از آن‌ها به مسئله سکونت با نگاهی معمارانه و معناشناختی پرداخته نشده است. دومین جنبه، مربوط به روش کار است، که به دلیل استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ابعاد پنهان سکونت مستقیماً از مصاحبه با ساکنان بدست آمده و یافته‌ها استنباطی و تحلیلی هستند و سومین موضوع، تفاوت نظام فکری این مقاله (معناشناختی) با مقالات دیگر است که با برداشتی تحلیلی از رابطه بین فضا، انسان و نیازهای او، به شناخت مفهوم سکونت و تبیین ابعاد پنهان آن در مسکن اجتماعی پرداخته است.

در فرهنگ معین، معنا به واژگانی چون مفهوم، مراد، حقیقت و باطن اشاره دارد (معین، ۱۳۶۲:۱۲۴۵). آن چنان‌که از معانی لغوی معنا برمی‌آید، معنا جنبه باطنی و غیرصوری هر چیز و حامل مقصود اصلی است. اهمیت نقش معنا در شکل‌گیری فضا و کالبد معماری منجر به رویکردی در معماری می‌شود که معناگرایی نامیده می‌شود. از منظر معناگرایان، معماری، مانند سایر هنرها، علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه‌ای حقیقی نیز است که در پاسخ به نیازهای گوناگون انسان از جمله معنوی و مادی (هماهنگ با جنبه‌های روحانی حیات وی) طراحی و ساخته می‌شود (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹:۴۳). معاریان (۱۳۹۳)، با معرفی نگرش معناگرا، آن را موجب کیفیت‌بخشی به فضا و عامل پیوند بین انسان با جهانی دیگر دانسته است. او هدف از بکارگیری آنرا ایجاد محیطی متعادل همراه با آرامش برای باشنده‌ای به نام انسان معرفی نموده است. در نظریه معناشناسی آثار معماری از منظر اسلامی، آنچه موجب تحلیلی جامع در تبیین معنایی آثار می‌شود، توجه عمیق و جامع به انسان، ساحات و نفوس مختلف وی است (رئسی و نقره‌کار، ۱۳۹۷:۲۶۳).

نظر گرفت (کیبیری سامانی و همکاران، ۱۳۹۵:۷۴). از نظر کریمی، حجت و شهبازی چگنی (۱۳۹۷)، آنچه باعث پیوند و تقویت بین ساکن و مسکن و سکناگزینی می‌شود، بده بستان معنایی است. هرچه این معانی، بیشتر به ابعاد وجودی انسان و به خواست‌ها و نیازهای طبیعی و متعالی او اشاره کنند، انسان در پیوندی عمیق‌تری با فضا قرار خواهد گرفت. بنابراین می‌توان با توسل به نهفته‌های فرهنگی، طبیعی و فطرت انسانی، به مسکنی تعالی‌بخش رسید (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷:۱۴). از نظر اعتمادی‌پور (۱۴۰۰)، کم توجهی به مفاهیم معنامحور در طراحی مسکن امروزی تحت تأثیر مسائل اقتصادی و سطحی-نگری در طراحی قرار دارد. او از راهکارهای مؤثر در طراحی مسکن معنامحور را بهره‌گیری طراحان از ریزمؤلفه‌های عملکرد، کالبد، مقیاس، سابقه تاریخی، تجربه فردی، رویداد اجتماعی، عوامل فیزیولوژیکی و روانشناختی، رفتارهای فردی و اجتماعی مخاطبان معرفی کرده است (اعتمادی‌پور، ۱۴۰۰:۱۰۲).

در حوزه مطالعات انجام شده درخصوص مسکن اجتماعی در ایران، مسعودی‌راد، ابراهیم‌زاده و رفیعیان (۱۳۹۴)، با بیان آنکه سیاست‌های دولت در تأمین مسکن، متأثر از نگاه کمی بوده است، این وضعیت را موجب کاهش میزان موفقیت اینگونه واحدهای مسکونی دانسته‌اند. آن‌ها ضمن معرفی شاخص‌های پایداری مسکن اجتماعی که شامل: ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی است، توجه به شاخص اجتماعی- فرهنگی دارای بیشترین نقش را در افزایش کارایی چنین سکونتگاه‌هایی معرفی کرده‌اند (مسعودی‌راد و همکاران، ۱۳۹۴:۴۶۲). سلطانی و وارثی (۱۳۹۶)، برنامه مسکن اجتماعی را یکی از مؤثرترین سیاست‌های دولت در راستای تأمین مسکن معرفی نموده‌اند که به دلایل متعددی در شهرهای بزرگ ایران شکل گرفته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سطح رضایتمندی مطلوب ساکنان چنین سکونتگاه‌هایی با توجه به ابعاد کمی و کیفی و انطباق با نیازهای آن‌ها صورت می‌پذیرد و شامل: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، زیرساختی و دسترسی است (سلطانی و وارثی، ۱۳۹۶:۱۲۴). سقای، مؤذنی و ثنایی‌راد (۱۳۹۸)، با اشاره به آنکه در دهه‌های اخیر به دنبال تغییرات عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، شهرها گسترش یافته است، پروژه‌های مسکن اجتماعی را یکی از اهداف دولت‌ها

خانه به مسکن شده است. با توجه به آنکه تأمین مسکن برای قشرهای مختلف جامعه دغدغه تمامی دولت‌ها در سطح جهان بوده است، در کشور ایران هم این موضوع در برنامه تمامی دولت‌ها بوده است و هر کدام از آن‌ها اقداماتی را برای تحقق بخشیدن به این امر انجام داده‌اند. این موضوع در دولت نهم جلوه دیگری پیدا نمود و احداث واحدهای مسکونی ارزان قیمت در دستور کار قرار گرفت که «مسکن مهر» نامگذاری شد. مسکن مهر، مجتمع‌های مسکونی هستند که ساخت آن‌ها در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز شد. هدف از این طرح، صاحب خانه کردن قشرهای کم درآمد بوده که طبق آن دولت با واگذاری قطعه زمین رایگان سعی داشته خانه‌سازی را تشویق کند. طرح مسکن مهر با وجود دستاوردهای مثبتی که در زمینه تأمین مسکن اقشار کم درآمد داشته است، آثار منفی نیز بر ابعاد مختلف زندگی شهری و به‌ویژه چهره شهرها بر جای گذاشته است (Amirjani, 2020: 45). اینگونه از مسکن علاوه بر عدم توجه به جنبه‌های کیفی بنا، الزامات تعامل مطلوب میان کالبد خانه و نیاز انسان به سکونت، آرامش و آسایش را، مشابه آنچه در معماری سنتی دیده می‌شود، به کلی نادیده گرفته است. در ادامه یکی از سیاست‌های اخیر دولت در برنامه‌های ملی مسکن، بعد از برنامه مسکن مهر، سیاست «مسکن اجتماعی» بوده است. این طرح، سیاست اصلی دولت روحانی را در بخش مربوط به تأمین مسکن برای اقشار متوسط و پایین جامعه تشکیل می‌دهد. مسکن اجتماعی به‌صورت انبوه‌سازی و شامل مجتمع‌هایی است که در آن‌ها بلوک‌های متعددی در یک قطعه زمین و در چارچوب طراحی از پیش اندیشیده ساخته می‌شود که می‌تواند به‌صورت تک خانواری مستقل تا آپارتمان‌های چندطبقه در غالب بلوک‌های متصل بهم و گسسته از یکدیگر شکل گیرد (مفیدی شمیرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸). در ادامه تعدادی از معیارها و تفاوت‌های اینگونه از مسکن با سایر مسکن‌ها ذکر شده است (جدول ۱).

«سکونت» در فرهنگ فارسی معین با واژگان «اقامت-کردن»، «ماندن» و «آرامش» برابر نهاده شده است (معین، ۱۳۶۲: ۱۰۰۲). سکونت از ریشه سکن است و مفهومی دوگانه به ذهن متبادر می‌سازد، اقامت و آرامش (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۵). در آیه ۸۰ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «والله جعل لکم من بیوتکم سکناً»، خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد. در فرهنگ معین واژه «مسکن» به تسکین‌دهنده، آرام‌کننده، دارویی که موجب آرامش است معنا شده است (معین، ۱۳۶۲: ۱۰۹۸). مسکن پدیده‌ای چند وجهی است که کل محیط مسکونی را شامل می‌گردد (اصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۵۸). «مسکن اجتماعی» مسکنی است که در جهت رفاه اجتماعی، به‌صورت انبوه و در تعداد طبقات مختلف (به‌صورت تک خانواری و یا مجتمع) و برای قشر متوسط تا مرفه احداث می‌شود (Amirjani, 2020: 30). مسکن اجتماعی ریشه‌ای تاریخی در قرن نوزدهم دارد. اینگونه از مسکن در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از روش‌های عمده تأمین مسکن و از ابزارهای مؤثر رفاه اجتماعی بوده است. از جمله اهداف مشترک احداث مسکن اجتماعی در کشورهای مختلف، مقابله با افزایش نابرابری، مبارزه علیه بی‌خانمانی، اجتناب از قطبش اجتماعی، انسجام اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی شهری است. در ایران به‌دنبال تحول الگوی سکناگزینی که در نتیجه تغییر در عواملی از جمله عوامل اجتماعی (افزایش جمعیت در شهرها، تحول ساختار خانواده و غیره)، عوامل فرهنگی (حضور زنان در جامعه، تغییر در باورهای مردم و غیره)، تکنولوژی (ورود مصالح جدید، نادیده گرفتن اقلیم و غیره)، عوامل اقتصادی (کالایی‌شدن مسکن، گران‌شدن قیمت زمین و غیره) و عوامل سیاسی (توجه به قشر کم‌درآمد و غیره) بوده است (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۲۱). منجر به ساخت‌وساز انواع مسکن با الگوهای جدید معماری و حذف تدریجی برخی فضاها، شکسته‌شدن مرزهای اندرونی بیرونی، تغییر در تعریف حیات از فضای سازمان‌دهنده و در نهایت تغییر تدریجی مفهوم

جدول ۱. مقایسه بین مسکن اجتماعی با سایر مساکن

مسکن اجتماعی	مسکن مهر و سازمانی
اختلاط‌نشینی (از شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و امنیتی جلوگیری می‌نمایند و موجب انسجام اجتماعی در جامعه می‌شود)	منحصر به گروه‌های صرفاً کم درآمد.
براساس نیاز به مسکن احداث می‌شوند.	براساس تقاضای مؤثر احداث می‌شوند.
به‌صورت واحدهای مستقل و یا انبوه احداث می‌شوند.	غالباً به‌صورت انبوه احداث می‌شوند.
مکانیابی مناسب (اغلب در بافت‌های فرسوده و شهری احداث می‌شوند).	مکانیابی نامناسب (اغلب در حاشیه شهرها و یا در شهرک‌ها احداث می‌شوند).

دارای گروه هدف می‌باشند (اغلب گروه‌های کم درآمد).	در ابتدا دارای گروه هدف بوده‌اند.
توسط دولت احداث می‌شوند.	توسط دولت احداث می‌شوند.
کیفیت اجرا پایین است.	کیفیت اجرا بالا است.
دارای کالبد بی‌هویت هستند. بی‌هویتی می‌تواند باعث بروز مسائلی همچون تبدیل شدن به سکونتگاه‌های خوابگاهی، کاهش میزان همبستگی اجتماعی، محدود ماندن فضاهای جمعی و کاهش تعاملات اجتماعی و فرهنگی شود.	دارای کالبد با هویت هستند (عناصر معماری ایرانی، در طراحی آنها بیشتر بکار گرفته شده است)
در جهت برقراری عدالت اجتماعی احداث می‌شوند.	در جهت برقراری عدالت اجتماعی احداث می‌شوند.
معمولاً در ارتفاعات زیاد احداث می‌شوند.	معمولاً در ارتفاعات مختلف (یک طبقه تا بلندمرتبه) احداث می‌شوند.
مساکن، با توجه به آنکه عموماً در حاشیه شهرها احداث می‌شوند، فکری برای امکانات گوناگون نظیر آب و برق و گاز و تلفن آن‌ها نمی‌شود.	مساکن، با توجه به آنکه در داخل شهرها احداث می‌شوند، دارای امکانات کاملتری هستند.

تناسبات کالبدی، مبلمان و استفاده از نمادها معرفی کرده‌اند (وحدت و همکاران، ۱۳۹۶:۱۴۲). از نظر آقالطیفی و حجت (۱۳۹۷)، خانه فراتر از کالبد، به معانی مختلفی اشاره می‌کند که ترکیبی تجربی و انتزاعی از زمان و مکان است. آن‌ها فضای بسته و باز (حیاط) را از عوامل معنابخش به مفهوم مسکن معرفی نموده‌اند. از نظر آن‌ها وجود سلسله‌مراتب، قلمرو عمومی تا نیمه عمومی - خصوصی و خصوصی را تعریف می‌کرده است. حیاط به‌عنوان فضای باز، با نقش مرکزی که داشته، کلیه فضاها را به هم مرتبط می‌کرده و منجر به ارتباط انسان با طبیعت به حد کمال می‌شده است (آقالطیفی و حجت، ۱۳۹۷:۵۲). صدری کیا، بمانیان و پورمند (۱۳۹۸)، ضمن تأکید بر کالبد فیزیکی به‌عنوان بستری جهت تجلی معنا در مکان (مسکن)، عواملی همچون نور، هندسه، تداوم، حرکت و طبیعت را از مهمترین مؤلفه‌های فیزیکی معنابخش معرفی کرده‌اند (صدری کیا و همکاران، ۱۳۹۸:۹۶) (جدول ۲).

درخصوص مؤلفه‌های فیزیکی تجلی‌بخش معنا در مکان (مسکن)، از نظر حمزه‌نژاد و دشتی (۱۳۹۵)، فضای بسته، نیمه-باز، باز و نور به‌عنوان عوامل معنابخش در معماری هستند. فضا با بکارگیری هندسه، تزئینات، رنگ و سایه - روشن، اتاق‌ها را تعریف کرده و بازشوهای مختلف درجداره اتاق‌ها، کیفیات متنوعی از ارتباط حیاط و اتاق‌ها و شفافیت را رقم می‌زنند. نور عمده‌ترین مشخصه فضای بسته، نمادی از وجود خداوند در فضا است. تجلی نور و رنگ در درب‌ها و پنجره‌ها و استفاده از رنگ سفید برای فضاها از جمله اتاق‌ها، حالتی نمادین و پر معنا به فضا می‌بخشد. حیاط به‌عنوان فضای باز که در آن طبیعت حضور دارد، نمادی از خداوند است. وجود حیاط به دلیل حضور طبیعت سرشار از آرامش و زندگی است (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵:۳۳). وحدت، کریمی‌مشاور و بخشی بالکانلو (۱۳۹۶)، ضمن آنکه یکی از معیارهای مؤثر در ایجاد معنای مکان را عوامل فیزیکی معرفی نموده‌اند، ابعاد شکل‌دهنده معنای مکان را شامل تنوع بصری و هندسه، محصوریت و

جدول ۲. مؤلفه‌های فیزیکی تجلی‌بخش معنا در مکان (مسکن)

ردیف	نظریه‌پرداز / محقق	سال	مؤلفه‌های فیزیکی تجلی‌بخش معنا
۱	حمزه نژاد و دشتی	۱۳۹۵	- فضاهای جمعی - سایه- روشن - رنگ - نور
۲	وحدت و همکاران	۱۳۹۶	- بکارگیری نماد و سمبل - بکارگیری تناسب در فضا - هندسه - محصوریت
۳	آقالطیفی و حجت	۱۳۹۷	- حیاط - سلسله‌مراتب - طبیعت - بکارگیری مصالح طبیعی
۴	صدری کیا و همکاران	۱۳۹۸	- سلسله‌مراتب - طبیعت - تداوم فضایی - نور - طبیعت و عناصر طبیعی - تزئینات

فرهنگی)، فضای جمعی، شفافیت مناسبات درون گروهی، اعتماد اجتماعی، پویایی فرهنگی و همبستگی فضایی (احمدی و حبیبی، ۱۳۹۸: ۸۱). از نظر کریمی، حجت و شهبازی چگنی (۱۳۹۷)، آنچه یک فضا را به مکانی برای سکونت تبدیل می‌کند، آغشته شدن آن با ابعاد وجودی انسان، خواسته‌ها و نیازهای طبیعی و متعالی او است. انسان زمانی در مسکن سکنا می‌گزیند که آنجا آینه‌ای باشد که ساکنین بتوانند خود را در آن ببینند. از نظر آنها برای آنکه انسان احساس سکونت نماید، باید بین ساکن و مسکن پیوند وجود داشته باشد که این تعلق و پیوند از عوامل معناساز در مسکن از جمله خوانایی متأثر از فرم کالبدی و الگوی فعالیت‌ها و آشنایی متأثر از طرح واره‌های آشنا و چندجانبه بوجود می‌آید (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵). از نظر کوچکیان، آیوازیان، دیبا و نوروزبرازجانی (۱۳۹۶)، سکونت صرفاً توجه به ماهیت کالبدی نمی‌باشد، بلکه توجه به نیازهای انسانی را نیز در برمی‌گیرد. آنها علاوه بر عوامل کالبدی، از جمله معیارهای مؤثر بر کیفیت سکونت را عواملی همچون اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، زیباشناسی و زیست‌محیطی معرفی نموده‌اند (کوچکیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۱). از نظر ایلپکا، منصور، نصیرسلامی و صارمی (۱۳۹۴)، امروزه آنچه ساخته می‌شود باید مکان نام گیرد که در تقابل با نامکان‌های قرن بیست و یکمی عموماً برگرفته از نیازها و ارزش‌های مردم ساکن در آن نیست. از نظر آنها سکونت زمانی رخ می‌دهد که آن فضا ایجادکننده روابط انسانی باشد و فضا بتواند به طرق مختلف در تعامل با انسان و نیازهای او باشد (ایلپکا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۶). امین‌پور، مدنی، حیاتی و دلداده (۱۳۹۴)، ضمن بیان آنکه سکونت به معنای داشتن حس تعلق به مکان است، مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت را رعایت حریم، امنیت درونی و بیرونی مسکن، سلسله‌مراتب، ظرفیت مادی و معنوی مسکن، مکانیابی مناسب و هم‌پیوندی با طبیعت معرفی نمودند (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷) (جدول ۳).

همه انسان‌ها با هر نوع تلقی و با وجود اختلاف مراتب و روش، در پی سکونت و آرامش راستین‌اند. در حالیکه امروزه معماری به دلیل بی‌توجهی به نیازهای انسان و کیفیت‌های مهمی چون سکونت‌پذیری، سبب ایجاد فاصله‌های عمیق بین انسان و محیط زندگی او شده است و صرفاً به کالبدی بی‌روح با عملکردهایی قابل پیش‌بینی تبدیل گشته است. این دیدگاه که مسکن را تنها از منظر مادی بنگریم در دیدگاه‌های مختلف رد شده است. نوربرگ شولتز^۲ در کتاب مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی (۱۹۸۴)، واژه سکونت را با مفهومی بیش از قرار گرفتن سقفی بر بالای سر و به زیر پا آمدن چندمتر مربعی زمین بکار گرفته است. از نظر او امروزه برداشت ما از سکونت صرفاً مادی و کمی است، در حالیکه باید دارای مفهومی وجودی و کیفی نیز باشد. از نظر او زمانی می‌توان در جایی سکونت داشت که آنجا تجسم‌بخش مفاهیم وجودی انسان باشد. از نظر هایدگر^۳ (۱۹۷۶)، در هر مسکنی، سکونت‌گزیدن روی نمی‌دهد. سکونت، حاصل مرتبط ساختن چهار عنصر کلیدی جهان یعنی خدا، خود، آسمان و زمین است. در اندیشه آموس راپپورت^۴، مفهوم سکونت متأثر از عوامل فرهنگی است. از نظر او فرهنگ نوعی جهان‌بینی تلقی می‌شود، جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ در جامعه به تمامی موضوعات مرتبط با ابعاد مرتبط با انسان است، جهان‌بینی متأثر از اجتماع، اقتصاد، آیین مذهبی و شرایط محیطی است. از نظر او سکونت به مفهومی به مراتب بالاتر از ماهیت کالبدی آن اشاره دارد که همانا توجه به نیازهای انسانی می‌باشد (Rapoport, 1982:43). احمدی و حبیبی (۱۳۹۸)، ضمن پرداختن به ضرورت و اهمیت تحقق امر سکونت، آنرا متأثر از عوامل فرهنگی و نموده‌های آن تعریف کرده‌اند. از نظر آنها مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت بر مبنای تحلیل‌های انجام شده چنین هستند، هویت جمعی فضا‌محور، این‌همانی فضایی، اجماع گروهی مبتنی بر امنیت، جدایی‌گزینی فضایی، سرمایه اجتماعی گروهی، فرهنگ تلفیقی (قرابت

جدول ۳. بررسی مفهوم سکونت

یافته‌ها	تأکیدات و اهداف	نظریه پرداز/ محقق	ردیف	منبع
- سکونت‌گزیدن به مفهوم اسکان یافتن در جهان است. - سکناگزیدن پناه آوردن به خود و درک واقعی وجود و درون خود است.	- سکونت بیانگر برقراری پیوند بین انسان و محیط. - سکونت دارای مفهومی وجودی و کیفی.	نوربرگ شولتز	۱	۱

داخلی	۲	هایدگر	- سکناگزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن - سکناگزیدن فرآیند تبدیل فضا به مکان.	- ایجاد مکان از طریق گردهم آوردن عناصر چهارگانه آسمان، زمین، انسان و خدایان.
	۳	راپاپورت	- سکناگزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان .	- مفهوم سکونت متأثر از عوامل فرهنگی است.
	۴	احمدی و حبیبی	- سکونت متأثر از عوامل فرهنگی. - سکونت ابزاری جهت رویارویی با جهان هستی و پیونددهنده فرهنگ و اجتماع. - سکونت، به‌مثابه حصار برای آزادی و قلمرویی فراتر از مسکن.	- مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت: هویت جمعی، این‌همانی فضایی، اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی، امنیت درونی، جدایی‌گزینی فضایی، امنیت تصرف، قربابت فرهنگی، قدرت اجتماعی، فضای جمعی درو نگرا، شفافیت مناسبات درون گروهی، اعتماد اجتماعی، پویایی فرهنگی و همبستگی فضایی.
	۵	کریمی و همکاران	- توسل به نهفته‌های فرهنگی، طبیعی و فطرت انسانی به‌منظور دستیابی به مسکنی تعالی‌بخش.	- بکارگیری هندسه تعالی‌یافته (رشددهنده و پرورش دهنده) در جهت ممکن ساختن معناسازی مسکن. - آنچه یک فضا را به مکان سکونت اعتلاء می‌بخشد، آغشته‌شدن آن با معانی است.
	۶	کوچکیان و همکاران	- لزوم شناخت مفهوم سکونت برای تبیین تحولات آن در دوران جدید. - کم‌توجهی به وجوه معنوی و اجتماعی در معماری مسکونی	- سکونت فراتر از ویژگی‌های کالبدی و منطبق با نیازهای انسانی است، خود این نیازها فراتر از نیازهای فیزیکی و دربردارنده مسائل اجتماعی و معنوی است.
	۷	ایلیکا و همکاران	- تأکید بر مفهوم فرهنگ و تجلی آن در مسکن و وضعیت سکونت.	- اهمیت پارادایم‌های فرهنگی براساس نظریه‌های فرهنگی در پیدایش مفهوم سکونت در مجتمع‌ها.
	۸	امین‌پور و همکاران	- سکونت به معنای داشتن حس تعلق به مکان..	- مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت: رعایت حریم، امنیت درونی و بیرونی مسکن، سلسله-مراتب، ظرفیت مادی و معنوی مسکن، مکانیابی مناسب و هم‌پیوندی با طبیعت.

همکاران، ۲۹:۱۳۹۶). کاربری‌هایی مانند مسجد، مدرسه و بازار هر کدام بر گونه‌ای خاص از نیازهای انسان تأکید می‌نمایند. اما خانه/ مسکن همواره مکانی برای پاسخگویی به تمامی نیازهای انسان بوده است (نقره‌کار و همکاران، ۲۶:۱۳۹۳). طبق هرم مازلو^۵ که به سلسله‌مراتب نیازهای انسان می‌پردازد، نیازهای جسمانی (مادی) به‌عنوان پایه‌ای‌ترین نیاز در انسان می‌باشد، تا زمانی که این نیاز رفع نشود، انسان مجالی برای دست‌یافتن به سطوح بالاتر را نخواهد داشت. این بعد در جهت پاسخگویی به نیازهایی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره است. از دیگر نیازهای انسان، بعد اجتماعی است. این نیاز در انسان در جهت پاسخگویی به نیازهایی همچون امنیت، آرامش و نیازهای انتزاعی‌تری همچون خاطره‌انگیزی، تخیل، خودشکوفایی و هویت جمعی است (دزفولی و نقی-زاده، ۲۱:۱۳۹۳). نیاز معنوی در انسان با هدف تأمین سعادت، حقیقت‌جویی، کمال و فضائل انسانی بروز می‌یابد و منجر به

کل نظام خلقت، براساس نیاز و احتیاج به‌وجود آمده است و انسان به‌عنوان یک مخلوق در این نظام، موجودی نیازمند است. از منظر اسلام، انسان موجودی چند بعدی مرکب از ماده و روح است که دارای نیازهای مختلفی از جمله جسمانی، روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی است. در منابع اسلامی اشارات زیادی به ابعاد وجودی انسان و نیازهای او شده است. یکی از کامل‌ترین تعاریفی که از ابعاد وجودی انسان موجود است، مربوط به روایتی از امام علی (ع) است. در این تعریف انسان دارای چهار ساحت است: نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی و کلی الهی که هر کدام مسبب زیادت و نقصان، خشنودی و ناراحتی، عفت و حکمت و رضایت و تسلیم در انسان هستند. از آنجا که غایت انسان رسیدن به مراتب کمال در ابعاد مختلف حیات است، معماری زمینه‌ساز بستر نیازهای حیات انسانی است. لذا می‌توان گفت یک رابطه هم‌افزایی بین انسان، نیازهای حیات او و معماری وجود دارد (مظفر و

دستیابی به جایگاه متعالی فکری، معنوی، نشاط روح و روان، کاهش فشارهای ناشی از زندگی، سلامت فکر و ذهن و منشأ احساساتی چون خلوت با خود، آرامش و سکوت معرفی نموده- اند (توکلی و ماجدی، ۱۳۹۲: ۲۹). یکی دیگر از نیازهای انسانی در طراحی فضا، توجه به بعد اجتماعی است. انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است. پاسخگویی به این نیاز از طریق ایجاد فضاهایی برای تعاملات اجتماعی که سبب خاطره‌انگیزی و تعلق به مکان می‌شود، موجب خودشکوفایی و هویت جمعی، امنیت و در نهایت آرامش جسمانی و روانی انسان می‌شود (نصرت‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۳). بنابراین با نگاهی جامع می‌توان دریافت که نیازهای انسان چند وجهی است که فضای زیست او برای رسیدن به آرامش باید به نیازهای چهارگانه او که شامل نیازهای جسمانی-روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی می‌باشد، پاسخ دهد.

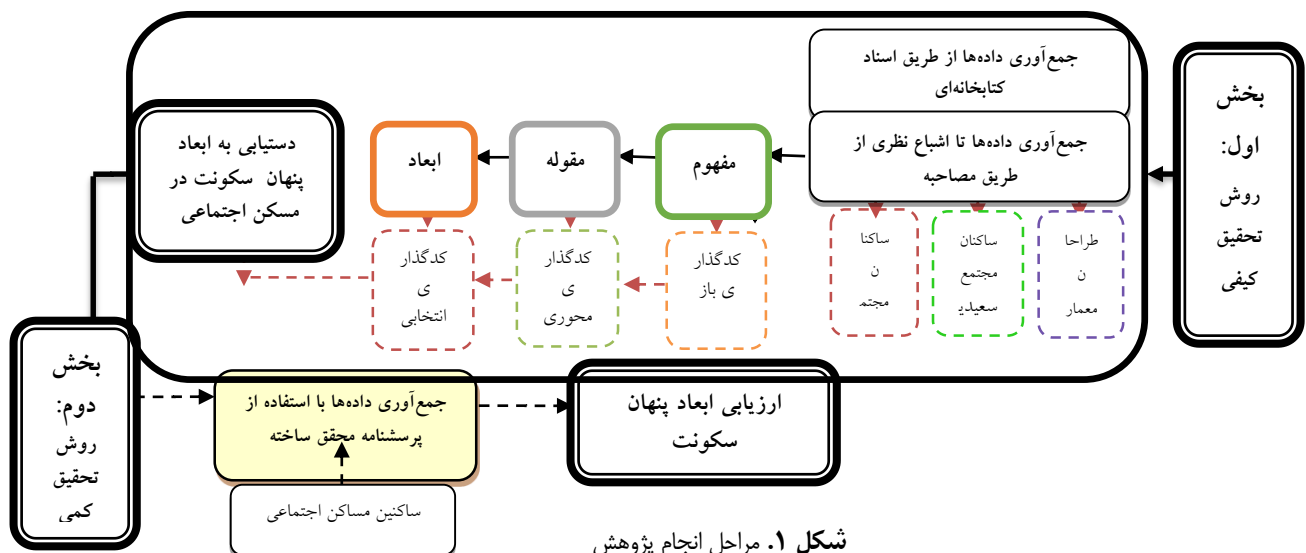
داده‌ها و روش کار

مقاله حاضر با روش آمیخته انجام شده است. در بخش اول که به روش کیفی و با استفاده از تحلیل محتوا انجام شده، داده‌ها با استفاده از منابع معتبر، مصاحبه و مطالعات میدانی جمع‌آوری شده و تحلیل‌ها در نرم‌افزار MAXQDA20 انجام شده است. در پژوهش‌های کیفی بجای تعمیم یافته‌ها، هدف کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است (لازم به ذکر است این مقاله به دلیل بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا در بخش اول (کیفی)، بجای فرضیه، به دنبال پاسخ به پرسش‌های پژوهش (است). جامعه تحت بررسی این مطالعه در همدان، شامل ساکنان مسکن اجتماعی سعیدیه و بانک رهنی (افراد که تجربه زیسته در چنین مسکنی را داشته‌اند) و طراحان معماری (افراد متخصص) در حوزه مسکن اجتماعی بوده است که براساس دانش و تجربه تخصصی خود اقدام به طراحی در حوزه اینگونه از مسکن را کرده‌اند. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۴۵ الی ۵۵ دقیقه بوده است. داده‌های به‌دست آمده پس از مصاحبه با ۳۴ نفر به اشباع نظری رسیده است (پژوهشگران مرتباً با داده‌هایی مواجه می‌شدند که تکراری بوده و داده بیشتری که سبب توسعه یا اضافه شدن به داده‌های پژوهش شود، کسب نشد). لازم به ذکر است مقاله حاضر در بخش دوم بدنال تعیین وضع موجود و ارزیابی ابعاد پنهان سکونت در نمونه‌های موردی نمی‌باشد، بلکه در پی آن است تا ابعاد پنهان سکونت را بطور جامع در مسکن اجتماعی شهر همدان واکاوی نماید، لذا به طبع آن جامعه آماری پژوهش را ساکنینی تشکیل

سلامت روانی و افزایش عزت نفس و فروکشی اضطراب می‌شود. بعد روانی با هدف تأمین سلامت و بهداشت روان انسان یکی دیگر از نیازهای انسان است. آنچه مسلم است این است که در سایه توجه به همه نیازهای وجودی انسان، در راستای تأمین نیازها، او به آرامش و آسایش درونی می‌رسد (عبدلی سلطان احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸)، بنابراین تا زمانی که انسان به جنبه‌های نیازهای وجودی خود آگاه نباشد، همواره بی‌خانمان خواهد ماند و این مسئله موجب از بین رفتن مفهوم سکونت در مکان/مسکن می‌شود. لذا برطرف نمودن نیاز واقعی برای سکونت در گروهی تجدیدنظر در شناخت از خودمان است. هایدگر (۱۹۷۶)، در این باره می‌گوید: "بی‌خانمانی و بیگانگی، نشانه‌های شکست در مورد خودفهمی و خودشناسی است، آدمیان مدرن به فراموشی نسبت به چگونگی سکونت دچار گشته‌اند، اکنون آن‌ها بدون آن که مکان را تحت سکونت خود در آورند تنها در آن حضور دارند". درخصوص مطالعات انجام شده در پاسخ به نیازهای انسان در فضای معماری، مهدی‌نژاد، عظمتی و صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۷)، ضمن آنکه بعد معنوی در انسان را اساس ارتباط با خدا به‌عنوان منشأ و حقیقت و غایت هستی دانسته‌اند، عواملی همچون رنگ، نور، صدا، فرم، هندسه، نقوش و مصالح را از عوامل مؤثر در در ایجاد حس معنویت در مکان معرفی نموده‌اند که جهت نمایش کثرت در وحدت، نمایش تصویری از کیهان و تجلی واقعیات آسمانی ماوراء عالم در کالبد بکار می‌روند. این حس با اتکاء بر ادراکات حسی قابل دستیابی است. در ارتباط با نیازهای روحانی، با هدف قرب الهی، فضای معماری از طریق ایجاد حرکت (کالبدی و بصری)، موجب حرکت جسم انسان به عالم روحانی می‌شود (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵). در این ارتباط حمزه-نژاد و دشتی (۱۳۹۵)، بکارگیری عناصر و مفاهیمی همچون سلسله‌مراتب فضایی و بصری، نور، پویایی و سیالیت، تداوم و پیوستگی فضایی، ارتباط درون و بیرون، ماده‌زدایی و سبکی، شفافیت و گشایش فضایی را موجب نمایش حرکت از طریق فضای کالبدی معرفی نموده‌اند (حمزه‌نژاد و دشتی، ۱۳۹۵: ۲۹). از دیگر نیازهای انسان، بعد روانی است توکلی و ماجدی (۱۳۹۲)، وجود طبیعت در مکان را موجب آرامش، نشاط و دوری از فشارهای عصبی عنوان نمودند. طبیعت به‌عنوان منبع انرژی‌های مثبت، نیرویی محرک و زمینه‌ساز آرامش روح و روان است. از نظر آن‌ها طبیعت (گیاهان، آب، آسمان و غیره) به‌عنوان انرژی پنهان، عاملی است که انسان را برای زیستن متعالی آماده می‌سازد. همچنین آن را به‌عنوان نیازی برای

آمده در بخش اول است. به کمک فرمول کوکران، ۳۸۰ نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید. جهت تحلیل پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جهت میزان پایایی و تأیید صحت پرسشنامه، مقدار آلفای کرونباخ آن بررسی گردید که این ضریب با مقدار ۰/۹۱۱ نشانگر اعتبار خوب و قابل اعتماد سؤالات پرسشنامه به‌منظور تحلیل‌های بعدی است. در بررسی روایی، ابتدا پرسشنامه به تأیید صاحب‌نظران رسید، سپس از روش تحلیل عامل اکتشافی و شاخص KMO استفاده شد. با توجه به آنکه مقدار شاخص KMO بیشتر از ۰/۷ است، لذا سؤالات پرسشنامه به درستی طرح شده‌اند. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون تی و فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. پرسشنامه به‌صورت محقق ساخته با ۳۱ سؤال، به‌صورت طیف پنج‌گانه لیکرت تدوین شده است (شکل ۱).

می‌دهند که تجربه زیست در چنین مسکنی را داشته‌اند، بدین‌منظور پرسشنامه‌ها در بین مسکن اجتماعی بانک رهنی و کاشانی همدان توزیع شده‌اند. از میان افراد مورد مطالعه، ۱۰ نفر، ساکنان مجتمع سعیدیه، ۱۳ نفر، ساکنان بانک رهنی و ۱۱ نفر از طراحانی بوده‌اند که تجربه طراحی چنین سکونتگاه‌هایی را داشته‌اند. مصاحبه‌ها به‌صورت باز انجام شده است. برای تحلیل اطلاعات و رسیدن به چارچوب مفهومی از کدگذاری استفاده شده است. براساس مصاحبه‌های انجام شده در مجموع ۲۱۶ کد، ۵۳ کد باز، ۲۷ کد محوری و ۴ کد انتخابی (ابعاد پنهان سکونت) استخراج شده است. در بخش دوم که به روش کمی انجام شده است، جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های توزیعی در میان ساکنان مسکن اجتماعی استفاده شده است. در این مرحله هدف، رتبه‌بندی و ارزیابی ابعاد به‌دست

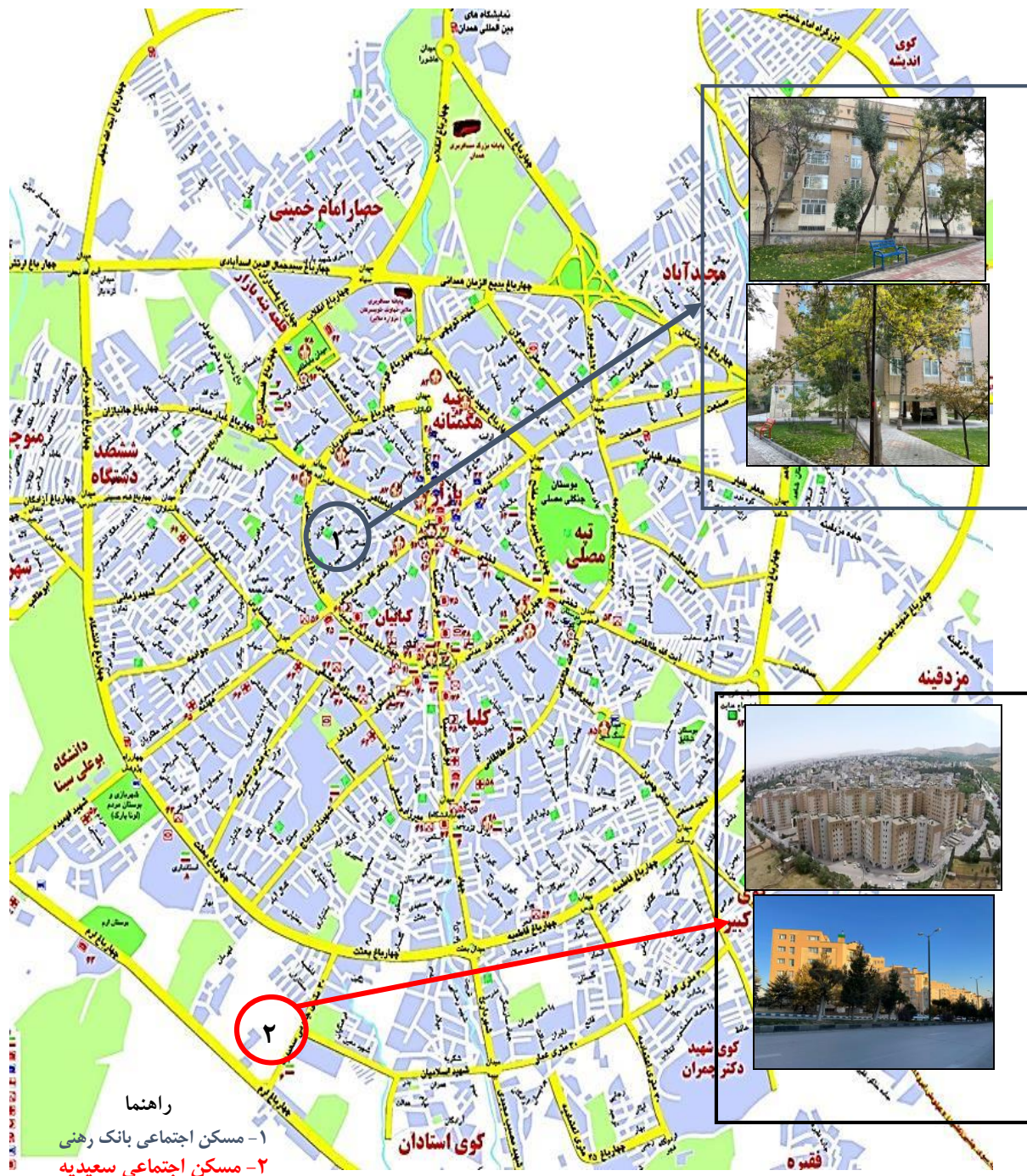


شکل ۱. مراحل انجام پژوهش

سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی بوده است که از آن جمله می‌توان به مجتمع بانک رهنی و سعیدیه همدان اشاره نمود. مجتمع مسکونی بلوار کاشانی واقع در بلوار آیت‌الله کاشانی در رینگ ابتدایی شهر همدان قرار دارد. بلوک‌های این مجتمع در دو طرف بلوار آیت‌الله کاشانی حد فاصل میدان امامزاده عبدالله و نرسیده به چهارراه شریعتی قرار دارند. مجتمع سعیدیه که در کوی سعیدیه شهر همدان توسط شرکت سرمایه‌گذاری مسکن منطقه غرب احداث شده، یکی از شاخص‌ترین بناهای احداث شده در این شهر است. مجتمع در زمینی به مساحت ۴۵۰۰ مترمربع دارای ۲۴ بلوک و حدود ۶۰۰ واحد مسکونی است

شهر همدان مرکز استان همدان، یکی از کلان‌شهرهای ایران در غرب کشور است. این شهر از لحاظ جمعیت چهاردهمین شهر پرجمعیت ایران به‌شمار می‌آید. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی، همدان را پایتخت تاریخ و تمدن ایران اعلام کرد. در سال‌های اخیر با توجه به شرایطی همچون نرخ بالای جمعیتی، مهاجرت از شهرهای اطراف، مهاجرت روستاییان، ایفای نقش مرکزیت استان در جهت ارائه خدمات اداری و درمانی، افزایش قیمت زمین، جوانی و افزایش متقاضیان مسکن با مشکل کمبود مسکن مواجه بوده است. یکی از سیاست‌های تهیه مسکن در شهر همدان ساخت

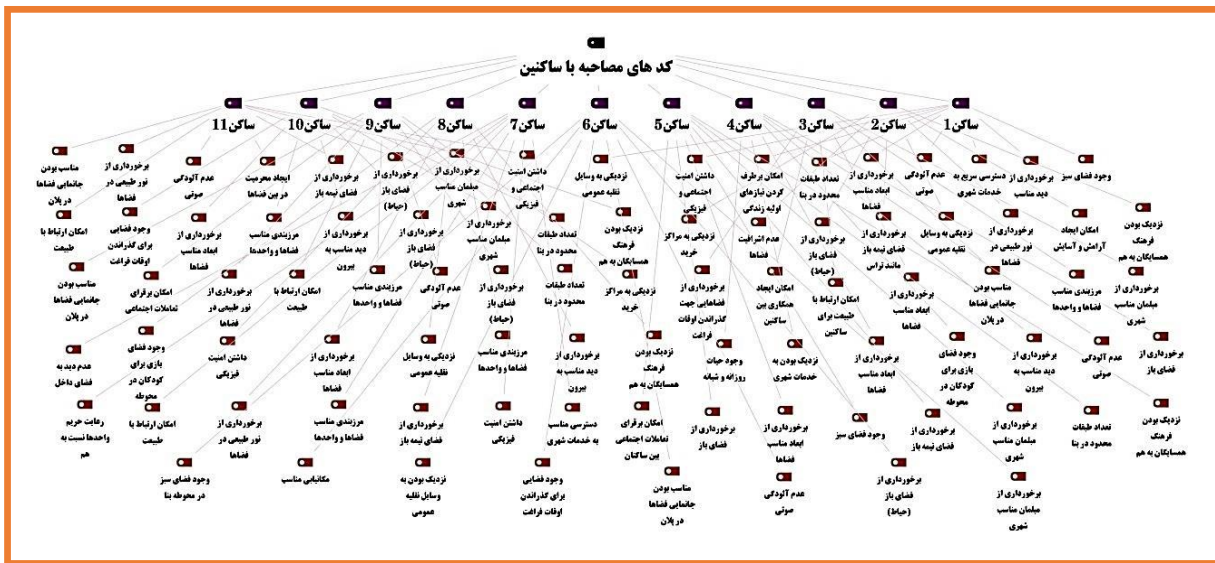
مجتمع مسکونی بانک رهنی نیز در دو طرف بلوار آیت‌الله کاشانی شامل ۱۰۰۰ واحد مسکونی است (شکل ۲).



شکل ۲. نقشه شهر همدان و موقعیت قرارگیری سکونتگاه‌های اجتماعی مورد مطالعه

و به‌دست آمدن مفاهیم بوده است. در مرحله دوم که کدگذاری محوری می‌باشد و ماهیتی ترکیبی دارد، از اتصال بین مفاهیم، مقوله‌ها به‌دست آمده است. در نهایت مرحله سوم، کدگذاری انتخابی است. در این مرحله، با ارتباط بین مقوله‌ها، ابعاد پنهان سکونت در مسکن اجتماعی واکاوی شده‌اند (شکل ۳).

کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده است (Struss & Corbin, 1998:30). براساس مصاحبه‌ها، در مجموع ۲۱۶ کد، ۵۳ کد باز، ۲۷ کد محوری و ۴ کد انتخابی (ابعاد) استخراج شده است. در مرحله اول، کدگذاری باز انجام شده است. هدف از انجام این مرحله، جداسازی داده‌ها



شکل ۳. نمودار درختی حاصل از مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA 20

مرحله مجموعاً ۵۳ کد باز بدست آمده است (جدول ۴). در ستون دوم سعی شده تا حد ممکن از جملات مصاحبه‌شوندگان استفاده شود. لازم به ذکر است به‌دلیل آنکه تعداد کدهای بدست آمده از مصاحبه‌ها تلاش شده برای هر کد باز، فقط دو کد از کدهای حاصل از مصاحبه‌ها ذکر شود (۱۰۶ کد از ۲۱۶ کد مصاحبه).

در مقاله حاضر برای کدگذاری باز از روش تحلیل سطر به سطر استفاده شده است. بدین‌منظور با نوشتن مفاهیم در حاشیه متن داده‌ها (مصاحبه‌ها) آغاز شده است. در این مرحله، پس از خلاصه کردن مصاحبه‌ها و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مفاهیم شکل گرفته است. در جریان این کدگذاری، داده‌ها خرد، تجزیه و تحلیل، مقایسه و مفهوم‌سازی شده است. در این

جدول ۴. کدهای باز استخراج شده

کدهای باز	کدهای حاصل از مصاحبه‌ها	کدهای باز	کدهای حاصل از مصاحبه‌ها
عدم بکارگیری فرم‌های دایره‌ای	هماهنگی با فرهنگ ایرانی	۱. ایجاد فعالیت-های گروهی	۱ فضایی برای انواع بازی مانند شطرنج
۲۹. اختلاط فعالیت‌ها	ایجاد نظم هندسی در پلان و فضا	۲. طراحی فضاهای جمعی	۲ فضایی برای فعالیت‌های اجتماعی
۳۰. ایجاد فضای انعطاف‌پذیر باز	اختلاط فضای بازی کودکان با سالمندان	۳. وجود فضای سبز	۳ طراحی فضای باز و نیمه باز جهت گذران اوقات فراغت
	ایجاد بازار روز		۴ ایجاد فضای دنج جهت گفتگو بین ساکنین
۳۱. سلسله مراتب	ایجاد فضاهای نمایشگاهی	۴. وجود حیاط	۵ ایجاد باغچه
	فضاهایی برای تفریح و عبادت		۶ استفاده از گلدان
	ایجاد حس حرکت در فضا		۷ برخورداری از فضای باز

فضای باز، نیمه باز و بسته	ایجاد تداوم فیزیکی و بصری	۶۲		برخورداری از فضای نیمه باز	۸
۳۲.سلسله مراتب فضای عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی	حریم‌بندی فضایی بین آشپزخانه، نشیمن و اتاق خواب	۶۳	۵.برخورداری از امنیت اجتماعی، روانی و فیزیکی	حصاربندی و محوطه سازی	۹
	حریم‌بندی فضای مهمان و خصوصی	۶۴		تحت کنترل و نظارت بودن فضاهای مجتمع از طریق خود ساکنین	۱۰
۳۳.حیات شبانه از طریق ایجاد فعالیت‌های شبانه	برگزاری بازارچه‌های محلی	۶۵	عروضه‌شنایی در محوطه	نورپردازی فضاهای جمعی	۱۱
	برگزاری مسابقات ورزشی بین ساکنین	۶۶		نورپردازی فضاهای بازی کودکان	۱۲
۳۴.ایجاد بازی‌های گروهی	فضایی برای ورزش صبحگاهی	۶۷	۷.مرزبندی فضاها	جدایی حریم عمومی و خصوصی	۱۳
	اختصاص فضایی برای فوتبال و ...	۶۸		تفکیک عملکردی فضاها	۱۴
۳۵.ایجاد فضاهایی به‌عنوان پاتوق	بکارگیری مبلمان مناسب مانند آلاچیق	۶۹	۸.ایجاد مانع بصری به داخل واحدها	استفاده از فضای پیش ورودی	۱۵
	طراحی فضاهایی جهت مشاهده فعالیت‌ها در فضای باز	۷۰		استفاده از عناصر طبیعی و بنایی به‌عنوان مانع	۱۶
۳۶.ایجاد فضاهایی مانند مرکز محله	ایجاد میدانچه کوچک جهت تجمع ساکنین	۷۱	۹.اختصاص فضاهایی برای کودکان	فضایی برای انجام بازی‌های فکری	۱۷
	برگزاری بازارچه‌های محلی	۷۲		فضایی برای فعالیت‌هایی مانند دوچرخه سواری	۱۸
۳۷.برخورداری از چشم انداز مناسب	طراحی فضای مناسب در اطرف بنا (فضای سبز و گلکاری شده)	۷۳	۱۰.تنوع فضایی برای گروه‌های مختلف	ایجاد فضای تفریحی، ورزشی و فرهنگی برای جوانان	۱۹
	جهت‌گیری مناسب بنا و استفاده حداکثری از پتانسیل‌های سایت	۷۴		ایجاد فضای تفریحی، گپ و گفت برای سالمندان	۲۰
۳۸.نمایش بافت مصالح در فضا	توجه به جنبه‌های روانی بکارگیری مصالح طبیعی	۷۵	۱۱.برخورداری از نور طبیعی در فضاهای داخل	حداقل امکان استفاده از نور مصنوعی	۲۱
	نمایش گذر زمان با کهنه شدن مصالح طبیعی	۷۶		امکان بکارگیری نور جهت گرمایش در زمستان	۲۲
۳۹.بکارگیری مصالح بوم‌آورد	استفاده از سنگ در فضای داخل	۷۷	۱۲.بکارگیری طرح‌های ایرانی در فضا	بکارگیری نقوش گیاهی در تزیینات	۲۳
	صرفه جویی در مصرف انرژی	۷۸		بکارگیری نقوش اسلیمی در تزیینات	۲۴
۴۰.توجه به اقلیم در طراحی جزئیات	بکارگیری مصالح متناسب با اقلیم همدان	۷۹	۱۳.رعایت تناسب انسانی	هماهنگی ابعاد فضاها طبق ابعاد انسان	۲۵
	بکارگیری مصالح مناسب در درب و پنجره	۸۰		رعایت ابعاد فضا مطابق با مبلمان	۲۶
۴۱.بکارگیری اشکال هندسی در فضا	ایجاد نظم از طریق بکارگیری اشکال توجه به فرهنگ	۸۱	۱۴.ارتباط مناسب فضاها	سیرکولاسیون مناسب فضایی	۲۷
		۸۲		جانمایی درست عرصه عمومی و خصوصی	۲۸
۴۲.استفاده از طرح و پلان متقارن	خوانا بودن فضاها برای سالمندان	۸۳	۱۵.ایجاد خاطره-انگیزی	فضایی به منظور برپایی جشن‌ها	۲۹
	خوانا بودن فضاها برای کودکان	۸۴		فضایی به منظور برپایی مراسم مذهبی در ایام سال	۳۰
۴۳.جهت‌گیری مناسب بنا	استفاده حداکثری از نور طبیعی	۸۵	۱۶.اجتماع‌پذیر بودن فضا	ایجاد حس تعلق به مکان	۳۱
	آسایش دمایی	۸۶		استفاده از مبلمان مناسب	۳۲

۳۳	ایجاد حس مالکیت در بین ساکنان	۱۷. ایجاد قلمرو	۸۷	ابعاد مناسب پنجره در جبهه باد مطلوب	۴۴. امکان ایجاد تهویه طبیعی
۳۴	ایجاد حریم خصوصی در بین ساکنین	فضایی	۸۸	ابعاد مناسب پنجره در جبهه باد غالب	
۳۵	ارتباط مناسب عرصه عمومی و خصوصی	۱۸. جانمایی مناسب فضاها	۸۹	نمایش بافت مصالح جهت تلطیف فضا	۴۵. بکارگیری سنگ، آجر و چوب
۳۶	جانمایی مناسب فضایی طبق نیاز به نورگیری در طراحی پلان		۹۰	بکارگیری مصالح طبیعی	
۳۷	بکارگیری آب جهت تلطیف محیط	۱۹. بکارگیری حوض در فضای باز	۹۱	استفاده از سنگ در نما و فضای داخل	۴۶. بکارگیری مصالح بوم‌آورد
۳۸	بکارگیری آب به جهت نمایش پاکی		۹۲	استفاده از آجر در نما و تزیین	
۳۹	توجه به عناصر طبیعی	۲۰. نمایش آسمان از طریق انعکاس در آب	۹۳	امکان آسایش حرارتی	۴۷. بکارگیری ابعاد مناسب پنجره با توجه به اقلیم
۴۰	امکان مشاهده ستارگان و ماه و خورشید در فضای باز		۹۴	جلوگیری از مصرف انرژی	
۴۱	ایجاد تعادل در فضا	۲۱. ایجاد فضای پرورالی	۹۵	استفاده از نور طبیعی در فضای داخل	۴۸. ایجاد حالتی روحانی
۴۲	نمایش اصل توجید		۹۶	بکارگیری رنگ‌های همچون آبی و سبز و سفید در فضا	
۴۳	عبور نور طبیعی به داخل فضا	۲۲. استفاده از پنجره با ابعاد مناسب	۹۷	بکارگیری رنگ‌های روشن	۴۹. نمایش سادگی و پاکی
۴۴	تنظیم نور طبیعی به داخل		۹۸	بکارگیری تزیینات کم و ساده	
۴۵	ایجاد وحدت	۲۳. ایجاد نظم هندسی	۹۹	استفاده از فضای نیمه باز در طراحی	۵۰. گشایش فضایی
۴۶	خوانایی فضا برای ساکنین		۱۰۰	تداوم و ارتباط فضایی	
۴۷	اشاره به اصل وحدت	۲۴. توجه به مرکزیت و جهت‌گیری	۱۰۱	کاهش توده و جرم	۵۱. سبکی فضا
۴۸	اشاره به حضور خدا		۱۰۲	بکارگیری نور طبیعی در فضا	
۴۹	سبکی فضا	۲۵. ماده‌زدایی و کاهش جرم و توده	۱۰۳	عقب‌نشینی کردن بنا	۵۲. استفاده از فرم-های تورفته
۵۰	سیالیت فضایی		۱۰۴	استفاده از فرم‌های پرورالی	
۵۱	پنجره به‌عنوان عنصری برای نورگیری و نه عنصری تزیینی در نما	۲۶. استفاده از پنجره بصورت کاربردی	۱۰۵	بکارگیری گیاهان، و آب و .. در داخل و خارج	۵۳. استفاده از عناصر طبیعی
۵۲	پنجره به‌عنوان عنصری برای تهویه طبیعی و نه عنصری تزیینی در نما		۱۰۶	بکارگیری نقوش گیاهی و کیهانی در داخل	
۵۳	استفاده از فرم‌های زاویه‌دار در طراحی فضا	۲۷. بکارگیری هندسه ایرانی	-	-	-
۵۴	بکارگیری طرح مربع و مستطیل مطابق با الگوهای فرهنگی		-	-	-

خاص، گروه‌بندی شده‌است. استخراج مقولات همانند مفاهیم از راه مقایسه انجام گرفته است. در این مرحله مجموعاً ۲۷ کد به‌دست آمده که در جدول ۵، تعدادی از آن‌ها مشخص شده است.

در مرحله بعد، پیش از روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم تقسیم شده است. هدف از انجام این مرحله برقراری رابطه بین مفاهیم تولید شده در کدگذاری باز بوده است. با اتمام مفهوم-سازی داده‌ها در کدگذاری باز، مفاهیم مشابه در یک مقوله

جدول ۵. کدهای محوری استخراج شده

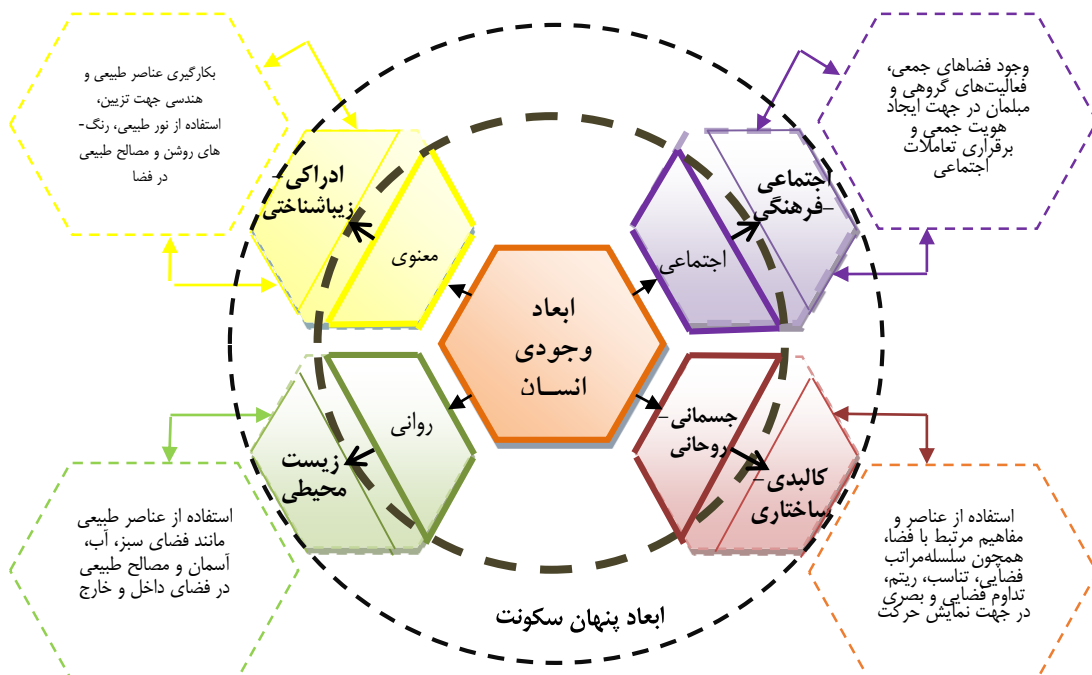
کدهای باز (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله)	کدهای باز (مفاهیم)	کدهای محوری (مقوله)
ایجاد فعالیت‌های گروهی	تعاملات اجتماعی	تنوع عملکردی	اختلاط فعالیت‌ها
طراحی فضاهای جمعی			ایجاد فضای انعطاف‌پذیر باز چندگانه
وجود فضای سبز	بکارگیری طبیعت	سلسله مراتب فضایی	سلسله‌مراتب فضای باز، نیمه باز و بسته
وجود حیاط			سلسله‌مراتب فضای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی
داشتن امنیت اجتماعی، روانی و فیزیکی	امنیت	سرزندگی	حیات شبانه از طریق ایجاد فعالیت‌های شبانه
روشنایی در محوطه			ایجاد بازی‌های گروهی
مرزبندی فضاها	حریم بندی	زندگی جمعی	ایجاد فضاهایی به‌عنوان پاتوق
ایجاد مانع بصری به داخل واحدها			ایجاد فضاهایی همانند مرکز محله
اختصاص فضاهایی برای کودکان	پویایی فضایی	برخوردارگی از کیفیت بصری	برخوردارگی از چشم‌انداز مناسب
تنوع فضایی برای گروه‌های مختلف			نمایش بافت مصالح در فضا
برخوردارگی از نور طبیعی در فضاهای داخلی	کیفیت سازمان فضایی	توجه به بوم‌گرایی	بکارگیری مصالح بوم‌آورد
استفاده از طرح‌های ایرانی در فضا			توجه به اقلیم در طراحی جزئیات معماری در
رعایت تناسبات انسانی	کیفیت فضایی	بکارگیری اشکال ایرانی	بکارگیری اشکال هندسی
ارتباط مناسب فضاها			تقارون
ایجاد خاطره انگیزی	رویدادپذیر بودن فضا	صرفه جویی در مصرف انرژی	جهت‌گیری مناسب بنا
اجتماع پذیر بودن فضا			امکان ایجاد تهویه طبیعی
ایجاد قلمرو فضایی	عرصه بندی فضایی	بکارگیری مصالح طبیعی	بکارگیری سنگ، آجر و چوب
جانمایی مناسب فضاها			بکارگیری مصالح بوم‌آورد
بکارگیری حوض در فضای باز	بکارگیری عناصر طبیعی	آسایش حرارتی	بکارگیری مصالح بوم‌آورد
نمایش آسمان از طریق انعکاس آن در آب			بکارگیری ابعاد مناسب پنجره با توجه به اقلیم
ایجاد فضای پروخالی	بکارگیری نور طبیعی	بکارگیری رنگ‌های روشن	ایجاد حالتی روحانی
استفاده از پنجره با ابعاد مناسب			نمایش سادگی و پاکی
ایجاد نظم هندسی	توجه به اصل محوربندی	سیالیت فضایی	شفافیت فضایی
توجه به مرکزیت و جهت‌گیری			سبکی فضا
ماده‌زدایی و کاهش جرم و توده	شفافیت فضایی	دعوت‌کنندگی	استفاده از فرم‌های تورفته
استفاده از پنجره بصورت کاربردی			استفاده از عناصر طبیعی
بکارگیری هندسه ایرانی	بکارگیری طرح‌های منظم هندسی در پلان	-	-
عدم بکارگیری فرم‌های گرد		-	-

بندی کلی‌تر و محدودتری قرار گرفته است. در این مرحله مجموعاً چهار بعد اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- ساختاری، زیست‌محیطی و ادراکی- زیباشناختی به‌دست آمده که در شکل ۴ مشخص شده است.

مرحله سوم، کدگذاری انتخابی، (جدول ۶)، فرآیند پالایش و پیوندادن مقولات به هم است (Struss & Corbin, ۱۹۹۸:۳۵). در این مرحله وجوه مشترک به‌دست آمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته

جدول ۶. کدهای انتخابی استخراج شده

ردیف	کدهای محوری (مقوله)	کدهای انتخابی (ابعاد پنهان)
۱	اجتماع و رویدادپذیر بودن فضا	۱- اجتماعی- فرهنگی
۲	تعاملات اجتماعی	
۳	زندگی جمعی	
۴	دعوت‌کنندگی	
۵	تعلق اجتماعی	
۶	پویایی فضایی	۲- کالبدی- ساختاری
۷	تنوع عملکردی	
۸	حریم‌بندی و حریمیت	
۹	سلسله‌مراتب فضایی	
۱۰	عرضه‌بندی فضایی	
۱۱	کیفیت فضایی	
۱۲	سازمان فضایی	
۱۳	امنیت	
۱۴	توجه به اصل محوربندی	
۱۵	برخورداری از کیفیت بصری	۳- ادراکی- زیباشناختی
۱۶	بکارگیری نور طبیعی	
۱۷	بکارگیری هندسه ایرانی	
۱۸	بکارگیری عناصر طبیعی	
۱۹	بکارگیری رنگ‌های زنده و روشن	
۲۰	دعوت‌کنندگی	
۲۱	شفافیت فضایی	
۲۲	سیالیت و گشایش فضایی	
۲۳	توجه به بوم‌گرایی	۴- زیست‌محیطی
۲۴	بکارگیری مصالح طبیعی	
۲۵	صرفه‌جویی در مصرف انرژی	
۲۶	بکارگیری طبیعت	
۲۷	آسایش حرارتی	



شکل ۴. ابعاد پنهان سکونت با رویکردی معناشناسانه (با تأکید بر ابعاد وجودی انسان)

شرح و تفسیر نتایج

فضایی و تقویت حضور آسمان نقش مهمی دارد. این مکانی است که از طریق ارتباط با فضای باز و بسته، درون و بیرون، گذر زمان و حرکت را در خود دارد. بکارگیری سلسله‌مراتب (باز، نیمه باز و بسته) علاوه بر آنکه سبب شکل‌دهی به قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت می‌شود و حریم‌بندی‌های فضایی را در چنین مسکنی شکل می‌دهد، محرمیت و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی را ایجاد می‌کند. بکارگیری اصل شفافیت، علاوه بر جنبه کالبدی که از طریق پنجره درون را به بیرون ربط می‌دهد، نقش معنایی کم‌کردن از ماده، افزایش و تداوم فضا را نیز دارد که به فضا حالتی غیرمادی و روحانی می‌دهد و بر بعد حرکت در فضاها تأکید می‌کند. بنابراین عناصر مختلف فضایی با نمایش حرکت کالبدی در فضاها، به مفهومی بالاتر که همانا اشاره به شروع سیر کمالی و حرکت درونی و روحانی در فضاها دارد. این در حالی است که امروزه فضای معماری چنین مسکنی با تکرارهای یکنواخت و انتظامی مدولار، بیشتر در پی توجه به نیازهای جسمانی و مادی انسان شده و نقش خود را در جایگاه تأمین نیازهای روحانی از دست‌داده و موجب غیرانسانی شدن فضا که در نتیجه ناشی از غفلت توجه به ارتباط بین جسم و روح است.

از سوی دیگر یکی از ابعاد وجودی انسان بعد اجتماعی است که در قالب بعد اجتماعی- فرهنگی مسکن با فضای معماری قابل تعریف است. یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به برقراری ارتباط با دیگران است. انسان برای پاسخگویی به نیازهای خود و در جهت رشد فردی نیاز به برقراری تعاملات اجتماعی با دیگران دارد. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و وقوع روابط اجتماعی، نیاز به یک مکان و فضای تعریف شده دارد. توجه به ابعاد اجتماعی فضا در مسکن و یافتن ارتباط بین کیفیت‌های فضایی و مفاهیم اجتماعی از جمله اجتماع‌پذیری و رویدادپذیری، در جهت پاسخ به بعد اجتماعی انسان اهمیت زیادی دارد. ارتباطات اجتماعی، موجب هویت یافتن انسان و خاطره‌انگیزی می‌شود. یافتن فضاهای آشنا، باعث احساس امنیت و آرامش در محیط خواهد شد. مفهوم خاطره در فضاهای شهری با حس تعلق و هویت همراه و مترادف است. خاطره دارای محتوای اجتماعی است، زیرا اغلب خاطرات یک فرد، در حضور دیگران و در محل زندگی جمعی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر انسان، برای به یادآوری و گرمی‌داشتن خاطرات از نقاط مرجع زمانی و مکانی استفاده می‌کند که جنبه اجتماعی دارند. این در حالی است که در

با توجه به ابعاد وجودی انسان (جسمانی/ مادی) مسکن در قالب بعد کالبدی- ساختاری مکمل فضای معماری قابل تعریف است. این بعد در جهت برطرف سازی نیازهای جسمانی و مادی و به دنبال آن نیازهای روحانی است. نیازهای جسمانی انسان شامل خوراک، پوشاک، مسکن و هوا است که در این خصوص فضای معماری باید بتواند تأمین‌کننده نیازهای اولیه انسان (نیازهای جسمانی) باشد. فضا از مفاهیم بنیادی در معماری است. فضا مفهومی است که هم وجه عینی و هم ذهنی دارد. وجه عینی آن در قالب شکل / فرم قابل مشاهده است. اما وجه ذهنی آن به مفهوم (عالم) معنا مربوط است که اساساً بصورت مادی قابل درک نبوده لیکن قابل احساس است. از این رو بر روان انسان تأثیرگذار است. فضا از طریق برخورداری از ابعاد (طول، عرض و ارتفاع) مناسب، فضایی برای خواب و تجدید قوا و محلی برای درست‌کردن غذا و خوردن آن، می‌تواند نیازهای اولیه انسان را تأمین نماید. در ارتباط با بعد جسمانی انسان، بعد روحانی با هدف قرب الهی وجود دارد، زیرا روح در جسم و جسم در روح می‌باشد، این دو از هم مستقل هستند، اما با هم ارتباط عمیقی دارند، در قرآن مجید نیز بعد جسمانی در کنار بعد روحانی بکار رفته است (آیات ۲۹ سوره حجر و ۷۲ سوره ص). در عالم طبیعت، پیدایش و تکون انواع نیازهای جسمانی، روی قانون حرکت است. نفس و روح همه محصول قانون حرکت می‌باشند و با زمینه‌سازی حرکت جوهری افزوده شده است. جسم در پرتو حرکت جوهری و درونی دارای بعد روحانی می‌شود (سیحانی تبریزی، ۱۳۸۳). در این ارتباط مفهوم حرکت را می‌توان در قالب فضا و متأثر از عوامل مختلف مشاهده نمود. بعد حرکت به‌عنوان جوهره درک فضا در معماری، به دو صورت کالبدی- بصری و معنایی جلوه می‌یابد. عناصر مختلف کالبدی از جمله اختلاف سطح، محوریت، شفافیت، ریتم و سلسله‌مراتب (فضای باز، نیمه باز و بسته)، علاوه بر نمایش حرکت کالبدی در فضاها، به مفهومی بالاتر که همانا شروع سیر کمالی و حرکت درونی و معنایی در فضاها (در جهت قرب الهی) قابل اشاره است. سازمان فضایی باید به‌گونه‌ای باشد که تنوع فضایی گسترده‌ای را برای ساکنان عرضه کند. این تنوع فضایی از راه تنوع در میزان محصور بودن فضاها (بسته، باز، پوشیده)، تنوع کف‌ها و ارتفاع سقف‌ها ایجاد می‌شود. فضای چنین مسکنی باید فضایی سیال باشد. وجود تراس به‌عنوان فضای نیمه‌باز، علاوه بر تأکید به ارتباط با طبیعت و آسمان، در بیان شفافیت، کاستن از ماده، گسترش

طبیعت مانند آسمان (ماه و خورشید) نشان‌دهنده توجه انسان به توحید و عناصر طبیعی و دعوت آن‌ها به فضای داخل است. بکارگیری اشکال طبیعی بر روی سطوح، منجر به سبک‌سازی فضا شده، از بار مادی فضا کاسته و منجر به بکارگیری عناصر طبیعی (خورشید و گیاهان) بر روی سطوح بویژه سقف، توجه ساکنان به آسمان و طبیعت که جایگاه خداوند را فراهم می‌سازد. نور از جنبه‌های قداستی دریافت حقیقت الهی است که بی‌نهایت و ابدیت را به یاد می‌آورد. استفاده از نور طبیعی علاوه بر جنبه کالبدی در جهت کیفیت‌بخشی به فضا، دارای بار معنایی و محفلی برای حضور خداوند در فضا است. استفاده از مصالح طبیعی در فضا همچون چوب، سنگ و آجر، علاوه بر جنبه بصری در جهت زیبابخشی به فضا، موجب احساس کشش و توجه انسان به عناصر موجود در طبیعت و خالق آن می‌شود. بدین ترتیب عناصر زیباشناسانه علاوه بر برطرف نمودن نیازهای جسمانی، با ایجاد فضای پرورشی، سایه-روشن، اشاره به عناصر طبیعی، به برقراری ارتباط ذهنی با خالق بزرگ هستی و تولید حس معنویت در فضا می‌پردازند. این در حالی است که معماری امروز، به‌واسطه عدم توجه به ادراکات حسی موجب فروکاستن از قدرت این حس در تجربه فضا و در جهت پاسخ به نیازهای والاتری همچون نیازهای معنوی شده است.

مسکن، با کیفیت مطلوب قادر است آرامش روانی ببخشد و موجبات تعبیر معنای سکناگزیدن و آسایش جستن را فراهم آورد. اهمیت مسکن از بعد روانی تا اندازه‌ای است که با در نظر گرفتن مراحل تکامل روانی کودکان، آن‌ها نیازهای خود را در سنین پایین، در خانواده و از طریق والدین در حالی برآورده می‌سازند که مهم‌ترین ماوا و پناهگاه‌شان مسکن است. در این راستا حیاط به‌عنوان اصلی‌ترین فضای باز، علاوه بر جنبه کالبدی (انجام برخی از فعالیت‌ها)، ابعاد مختلف روانی و معنایی نیز دارد که مهم‌ترین آن توجه به بعد زمان است. از آنجا که یکی از کاربردهای حیاط، ارتباط با طبیعت است. طبیعت علاوه بر جنبه کالبدی، برای ساکنان دارای بار معنایی و روانی بوده که سبب رشد و تعالی روح می‌شود. طبیعت با نمایش تغییرات فصول و سبز و زرد شدن برگ درختان و تغییر ساعات روز، نقش مهمی در توجه به بعد زمان و گذر عمر را ایفا می‌کند. طبیعت آفریده خداوند و نمادی از او است. فضای سکونت با استفاده از طبیعت، با جهان خارج و افق در ارتباط بوده و به روی آن گشوده می‌شود، از این طریق انسان می‌تواند از درون فضا نظاره‌گر حرکت زمان از طریق مشاهده تغییرات ساعات

مسکن امروزی که به‌صورت انبوه احداث می‌شوند، این شکل از سکونت کمتر می‌تواند تغذیه‌کننده قوی و غنی روابط انسانی ساکنان خود باشد. در طراحی این بناها، کمتر توجهی به روابط همسایگی و طراحی بر مبنای عادات و رفتارهای مثبت اجتماعی و فرهنگی شده است. از طرفی دیگر به دلیل فقدان فضای کافی و تراکم بیش از حد و قیمت زمین، ساختمان‌ها بدون وجود فضای باز و طبیعت شکل می‌گیرند که عامل مهمی در برقراری ارتباط بین ساکنین است. معابر اینگونه فضاهای سکونت، فقط عرصه حرکت اتومبیل است، به دور از فضای سبز. عدم توجه به نقش مسکن در روابط اجتماعی، بی‌تردید دستیابی به برخورداری از رفتارهای متعالی اجتماعی و ارزش-های والای انسانی را با چالش روبرو می‌سازد. لذا توجه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی یکی از ملزومات در طراحی چنین مسکنی می‌باشد که می‌تواند در قالب فضاهای عمومی جمعی، ایجاد فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده شبانه، ایجاد زمین‌های بازی برای کودکان تا به سبب آن والدین در محیط حضور پیدا کرده، طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر برای کاربری‌های چندگانه، نمایشگاه‌های روباز آثار دستی اهالی، خوراکی‌ها، برگزاری مراسم عزاداری، جشن‌ها و ایجاد بازار روز محقق شود. بنابراین مسکن اجتماعی می‌بایست نیازهای مربوط به ارتباط با دیگران را نیز در خارج از چهاردیواری مسکن، تأمین نماید، زیرا که در فضای محدود مسکن، عرصه‌ای برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. نیازهایی مانند تفریح، کار، تحرک، خودسازی، بازی‌های جمعی و غیره. مسکن امروزی، نه مکانی برای وقوع دیدارند و نه مکانی برای خلوت و تأمل.

با توجه به آنکه یکی دیگر از ابعاد وجودی انسان بعد معنوی می‌باشد، آن را می‌توان به بعد ادراکی- زیباشناختی نسبت داد. انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزید، به حس زیبایی‌شناسی نیز توجه داشته است، زیرا یکی از صفات خداوند می‌باشد. این عامل، به‌عنوان وجه تعالی و تشخیص بنا، سبب ارتقای کیفیت فضایی و معنوی بنا، رسیدن به قرب الهی و سیر از کمال به جمال می‌شود. در معماری معیارهای زیبایی-شناسی شامل تزئینات، نور، رنگ و بکارگیری مصالح طبیعی است. نظام عالم از واحد به کثیر و از کثیر به واحد است. این عوامل و این هارمونی‌ها که رد پای وحدت‌اند به اصل توحید اشاره می‌کنند. بکارگیری تزئینات در کنار جنبه کالبدی و زیباشناسانه که نقش مهمی در کیفیت‌بخشی به فضاها دارد، محملی برای بیان معانی معنوی است. استفاده از تناسبات، ریتم، نظم و آرایش فضا با تأکید بر نمایش عناصر موجود در

سال و ۳/۲ درصد در بازه زمانی ۲۰-۳۰ سال، ۱۷/۱ درصد در مسکن استیجاری و ۸۲/۹ درصد در مسکن شخصی سکونت داشته‌اند.

با بررسی وضعیت ابعاد چهارگانه ابعاد پنهان سکونت در سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی (زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی، ادراکی-زیباشناختی، کالبدی-ساختاری) نتایج به-دست آمده، نشان می‌دهد که تمامی ابعاد «اجتماعی فرهنگی» با میانگین (۴/۳۰)، «کالبدی-ساختاری» با میانگین (۴/۱۷)، «زیست محیطی» با میانگین (۴/۰۳) و «ادراکی-زیباشناختی» با میانگین (۳/۸۸) میانگینی بالاتر از حد متوسط به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی با توجه به بالا بودن میانگین ابعاد از حد متوسط، می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع ابعاد چهارگانه مورد بررسی در سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی (مجمع سعیدیه و بانک رهنی) در وضعیت مطلوبی قرار دارند (جدول ۷). در بخش دوم واکاوی ابعاد پنهان سکونت بطور جامع در مسکن اجتماعی شهر همدان قابل توجه است. لذا به طبع آن جامعه آماری پژوهش را ساکنینی تشکیل می‌دهند که تجربه زیست در چنین مسکنی را داشته‌اند. بدین‌منظور پرسشنامه‌ها در بین مسکن اجتماعی بانک رهنی و کاشانی همدان توزیع شده‌اند.

روز، فصول و طبیعت باشد. وجود حوض در حیاط، علاوه بر جنبه کالبدی برای ساکنان، جنبه روانی نیز دارد، حوض آسمان را به زمین می‌کشد و انعکاس‌دهنده و ارتباط‌دهنده زمین با آسمان است. استفاده از مصالح طبیعی در فضاهای داخلی علاوه بر جنبه کالبدی زیباشناسانه و بوم‌آورد، ویژگی‌های روانی خاصی را بیان می‌کند، اینگونه مصالح دارای صفات خاصی می‌باشند که از طریق نمایش قدمت و کهنه‌شدن و در نهایت نمایش تأثیر زمان و حرکت به سمت جلو، بار روانی به فضا می‌بخشند.

بخش دوم، جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه در بین ساکنین مجتمع بانک رهنی و سعیدیه همدان (به‌صورت تصادفی) است. پرسشنامه متشکل از ۳۱ گویه در قالب چهار بعد است. ابتدا گویه‌های اولیه پرسشنامه نگارش و سپس ویرایش شد. مرحله بعدی، این گویه‌ها توسط ده طراح معماری که تجربه طراحی و احداث چنین سکونتگاه‌هایی را داشتند، بررسی و روایی و مرتبط بودن آن‌ها با متغیرهای پژوهش تأیید شد. پس از طراحی پرسشنامه با طیف لیکرت، پرسشنامه‌ها به-صورت آنلاین در بین ساکنان توزیع شد. از مجموع ۳۸۰ نفر از پاسخگویان، ۱۵۲ نفر زن و ۲۲۸ نفر مردان را تشکیل می‌دهند. در مورد مدت سکونت و مالکیت جامعه آماری، ۷/۷۹ درصد در بازه زمانی ۱ تا ۱۰ سال، ۱۷/۱ درصد در بازه زمانی ۱۰-۲۰

جدول ۷. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت کلی تمامی ابعاد

با ضریب اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	Sig	T	انحراف معیار	میانگین	متغیرها
حد پایین	حد بالا						
۱/۲۳۸۴	۱/۱۰۹۰	۱/۱۷۳۶۸	۰/۰۰۰	۳۵/۶۵۷	۰/۶۴۱۶۴	۴/۱۷۳۷	کالبدی-ساختاری
۱/۳۵۲۰	۱/۲۶۳۸	۱/۳۰۷۹	۰/۰۰۰	۵۸/۳۰۲	۰/۴۳۷۳۰	۴/۳۰۷۹	اجتماعی-فرهنگی
۱/۱۱۵۱	۰/۹۵۳۴	۱/۰۳۴۲۱	۰/۰۰۰	۲۵/۱۴۹	۰/۸۰۱۶۴	۴/۰۳۴۲	زیست محیطی
۰/۹۶۷۲	۰/۸۰۳۹	۰/۸۸۵۵۳	۰/۰۰۰	۲۱/۳۲۸	۰/۸۰۹۳۶	۳/۸۸۵۵	ادراکی-زیباشناختی

آزمون، در ادامه به تفسیر نتایج و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی پرداخته شده است (جدول ۸).

در این پژوهش با هدف تعیین و رتبه‌بندی مهم‌ترین ابعاد، از آزمون فریدمن استفاده شده است. در ابتدا معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بررسی شد. با توجه به معنی‌دار بودن این

جدول ۸. نتایج رتبه‌بندی آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش

رتبه	گویه	میانگین رتبه
۱	اجتماعی- فرهنگی	۴/۵۶
۲	کالبدی- ساختاری	۴/۱۴
۳	زیست محیطی	۳/۷۰
۴	ادراکی- زیباشناختی	۳/۲۸
	خی دو	۳۹۷/۸۰۹
	درجه آزادی	۵
	سطح معناداری	۰/۰۰۰

که به ترتیب ابعاد مؤثر در سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی به- منظور دستیابی به سیاست‌های اجرایی در جهت ارتقاء کیفیت مسکن اجتماعی در مجتمع سعیدیه و بانک رهنی شهر همدان، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- ساختاری، زیست محیطی و ادراکی- زیباشناختی هستند (شکل ۵).

مقدار مجذور خی دو بدست آمده برابر با ۳۹۷/۸۰۹ است که در سطح خطای کمتر از ۰/۵۰ قرار دارد. معنی‌دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی ابعاد مؤثر در سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی از نظر شهروندان بامعناست. بر همین اساس نتایج رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد



شکل ۵. رتبه‌بندی ابعاد پنهان سکونت براساس آزمون فریدمن

توانایی عاملی شدن را دارند (جدول ۹). (آزمون KMO و بارتلت روش‌هایی هستند که برای اطمینان از کافی بودن نمونه انتخاب شده در تحلیل عاملی اکتشافی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این دو آزمون روش‌های علمی برای حصول اطمینان از کفایت نمونه منتخب می‌باشد).

جدول زیر مقادیر شاخص‌های KMO و بارتلت را نشان می‌دهد. مقدار شاخص KMO بیشتر از مقدار معیار ۰/۷۰ به- دست آمده و برابر ۰/۸۲۱ است. مقدار آزمون بارتلت هم نشانگر معنی‌دار بودن آزمون است که دارای سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. نتایج بدست آمده بیانگر این موضوع است که انجام تحلیل عاملی بر روی متغیرها امکان‌پذیر است و متغیرها

جدول ۹. نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰.۸۲۱
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۶۲۹.۴۵۴
	df	۳۷
	Sig.	۰.۰۰۰

جدول عناصر چرخش یافته نام دارد، جدول اصلی در ارتباط با متغیرهایی است که متعلق به هر عامل هستند. میزان بار عاملی هر متغیر در جدول زیر گزارش شده است.

با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، عامل‌ها یا سازه‌های پنهان موجود در ۳۱ گویه استخراج و چهار عامل که زیربنای ۳۱ گویه پژوهش هستند، شناسایی شد. جدول ۱۰، مربوط به بارهای عاملی بعد از چرخش (از نوع واریماکس) است. این جدول که

جدول ۱۰. میزان بارهای عاملی گویه‌ها

گویه‌ها	کالبدی - ساختاری	اجتماعی - فرهنگی	زیست محیطی	ادراکی - زیباشناختی
کیفیت مصالح بکار رفته به‌منظور مقابله با سوانح و کاهش هزینه‌های مربوط به تعمیر و نگهداری ساختمان، طول عمر بیشتر بنا تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۵۰			
وجود فضای باز (حیاط) در مجتمع، برای ایجاد نشاط اجتماعی و انجام برخی از فعالیت‌ها و ایجاد حس آرامش، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۹۰۰			
کفسازی مناسب فضای باز، به‌منظور استفاده از گروه‌های مختلف سنی (سالمدان، کودکان و افراد ناتوان) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۰۱			
وجود فضاهای نیمه باز مانند تراس جهت کاربردهای گوناگون، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۸۱۷			
مناسب بودن مساحت کل واحدها (متناسب با تراکم خانواده‌های امروزی) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۸۳۷			
برخورداری از ابعاد مناسب فضاها (اتاق‌ها، نشیمن، آشپزخانه و غیره) از جهت کمی و جانمایی مناسب فضاها تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۳۵			
مکانیابی مناسب مجتمع (انتخاب درست سایت در شهر، جاگذاری بنا در بستر و ...) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۱۷۵			
کیفیت دسترسی به خدمات شهری (وسایل نقلیه عمومی، مراکز خرید و ...) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۸۸۶			
انعطاف‌پذیر بودن فضاها (تک‌منظوره نبودن، امکان استفاده چندگانه و عدم اختصاص فضا به عملکردی خاص) همانند خانه‌های گذشته، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۹۴			
وجود مبلمان شهری در محوطه به‌منظور آسایش فیزیکی تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۴۲۳			
توجه به الگوهای سنتی مانند رعایت سلسله مراتب فضایی در طراحی و مدرنیزاسیون کردن آن (تبدیل هشتی به لابی)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۴۵			
وجود پارکینگ، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟	۰/۵۷۱			
احساس امنیت اجتماعی (عدم وجود افراد تهدیدکننده و ...) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟		۰/۵۷۰		
احساس امنیت فیزیکی جهت تردد راحت ساکنین مخصوصاً زنان و کودکان (استفاده از روشنایی، عدم وجود فضاهای متروکه) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟		۰/۴۴۸		
وجود تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی و پیوند عاطفی بین ساکنین (برای رفع مشکلات، ارتباط روزانه و غیره)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟		۰/۸۶۵		
عامل سرزندگی (استفاده از فضای سبز، وجود حیات روزانه و شبانه، امکان ارتباط بین ساکنین و غیره)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟		۰/۵۳۱		
احساس تعلق به مکان (رضایت از مسکن بواسطه عوامل مختلف مانند طول مدت سکونت، ارتباط با همسایگان و غیره)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما،		۰/۴۲۵		

			تأثیر دارد؟
	۰/۵۴۶		رعایت حریم‌ها و پیشگیری از هر نوع مزاحمت همجواری در جهت محرمیت با محوریت تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی در واحدهای همسایگی با توجه به فرهنگ کشورمان، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۵۰۳		وجود فضاهای جمعی (آلاچیق، سالن روزنامه‌خوانی و ...) در جهت رویدادپذیری و ایجاد خاطرات جمعی که منجر به دلبستگی به مکان می‌شود، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۵۳۶		در نظر گرفتن تعداد کمتر واحدهای مسکونی در یک مجتمع با‌الاخص در یک طبقه در جهت انسجام روابط بین خانواده‌ها و کاهش مشکلات ناشی از تضادهای فرهنگی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۷۶۲		شرایط جمع‌آوری زباله و زهکشی مناسب جهت جمع‌آوری آب‌های سطحی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۶۹۱		توجه به آسایش اقلیمی مانند جهت‌گیری مناسب ساختمان در جهت کنترل گرمایش و سرمایش، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کاهش هزینه‌های سوخت در فصول مختلف، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۷۷۹		وجود آلودگی صوتی (ترافیک و ...)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
	۰/۸۰۰		برخورداری از فضای سبز و ارتباط با طبیعت، در جهت آرامش روحی و روانی ساکنین تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۷۰۹			توجه به کیفیت بصری و زیباشناختی در محوطه (استفاده از رنگ‌های مناسب، وجود طبیعت و فضای سبز در جهت ایجاد دیدومنزور مناسب و ...) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۸۷۴			نورگیر بودن فضاهای اصلی (اتاق‌ها و نشیمن و آشپزخانه) تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۵۸۴			استفاده از نقوش و رنگ‌های زنده و فرح بخش در فضاها برای رسیدن به مفهوم سادگی و ساده زیستی در خانه ایرانی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۵۸۹			رعایت مقیاس انسانی در فضاهای داخلی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۶۰۱			استفاده از مصالح سنتی (آجر، چوب و ...) در جهت زیبایی در فضاهای مختلف (عمومی و خصوصی)، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۷۷۰			عدم استفاده از نمادهای غربی در طراحی نما (نمای رومی)، فضاهای داخلی (نورپردازی مصنوعی و ...) و تزئینات که منطبق با هویت فرهنگی کشور ما نمی‌باشد، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟
۰/۷۵۵			برخورداری از چشم‌انداز مناسب به مناظر اطراف از فضاهای داخلی، تا چه اندازه در تمایل به سکونت شما، تأثیر دارد؟

دارای همبستگی بالا (بار عاملی) باشد و با سایر عامل‌ها دارای همبستگی ضعیف و ناچیزی (کمتر از ۰/۵۰) باشد، نشان از متناسب بودن عامل‌های استخراج شده دارد. همانطور که مشاهده می‌شود، عامل نخست (کالبدی-ساختاری) با ۱۲ گویه، می‌تواند در مجموع ۱۴/۹۸ درصد واریانس را توجیه نماید که

مقادیر بارهای عاملی هر متغیر قابل قبول بوده و برای تمامی متغیرها غالباً شامل مقادیر مطلوب و بالای ۰/۷۰ هستند که مقدار مناسبی به شمار آمده و نشان از این دارد که نتیجه تحلیل عاملی مطلوب بوده و عامل‌های مناسبی استخراج شده‌اند. همچنین قابل ذکر است، زمانیکه هر متغیر تنها با یک عامل

سطح از نیازهای انسان) و سپس روحانی، از طریق نمایش حرکت به واسطه بکارگیری سلسله‌مراتب فضایی، بصری و معنایی در جهت سیر در درون، تداوم فضایی و بصری، رعایت تناسبات انسانی، ریتم و محوربندی و از طریق بکارگیری تقارون در فضا خود را جلوه می‌دهد. درخصوص نیاز دیگر انسان که بعد اجتماعی می‌باشد، این بعد را می‌توان در بعد اجتماعی - فرهنگی تعریف نمود. با توجه به آنکه انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است، پاسخگویی به این بعد در انسان در جهت برطرف سازی نیازهای اولیه همچون برقراری تعاملات اجتماعی و در سطوح بالاتر در جهت هویت بخشی، فضاها و فعالیت‌های گروهی، اختصاص فضاهایی در محوطه جهت بازی و ورزش می‌تواند محقق شود. بعد ادراکی - زیباشناسی، در جهت پاسخ به نیازهای معنوی انسان در فضا از طریق توجه به عواملی همچون تزئینات، نور، رنگ و مصالح طبیعی، ضمن ایجاد کیفیت بخشی، از طریق بکارگیری عناصر طبیعی و اشکال هندسی بر روی سطوح و کم کردن از ماده و گسترش فضا با استفاده از شفافیت به فضا بار معنوی و معنایی بخشیده و بر حضور عناصر طبیعی همچون آسمان و اصل کثرت در وحدت تأکید می‌کند و زمینه بازتاب تجلی‌گونه ذات حضرت حق را بیان می‌نماید. بعد زیست‌محیطی ضمن توجه به نیازهای روانی، می‌تواند از طریق ارتباط با طبیعت (گیاهان، آسمان و آب)، بکارگیری مصالح طبیعی و نمایش گذر زمان، نیازهای روانی انسان را تأمین نماید. بدین ترتیب، هر یک از ابعاد، به بعدی از نیازهای وجودی انسان اشاره می‌کنند. در ارتباط با پرسش سوم، نتایج به دست آمده در بخش دوم (کمی) نشان می‌دهد که به ترتیب ابعاد مؤثر در سکونتگاه‌های مسکن اجتماعی به منظور دستیابی به سیاست‌های اجرایی در جهت ارتقاء کیفیت مسکن اجتماعی، بعد اجتماعی - فرهنگی، بعد کالبدی - ساختاری، بعد زیست‌محیطی و در نهایت بعد ادراکی - زیباشناختی است. درخصوص بعد اجتماعی - فرهنگی، وجود تعاملات اجتماعی، برخورداری از امنیت اجتماعی و رعایت حریم، در بعد کالبدی - ساختاری، وجود فضای باز و مناسب مساحت کل واحد و همچنین وجود فضاهای نیمه‌باز، در بعد زیست‌محیطی وجود فضای سبز و عدم آلودگی صوتی و نهایتاً در بعد ادراکی - زیباشناختی برخورداری از نور طبیعی در فضاها از اهمیت زیادی برای انسان در مکان برخوردار است. امید است نتایج پژوهش حاضر بتواند با شناخت ابعاد پنهان سکونت، مکانی را به‌عنوان مسکن واقعی برای زندگی انسان امروزی

مهم‌ترین گویه در این عامل وجود فضای باز (حیاط) در مجتمع، برای ایجاد نشاط اجتماعی و انجام برخی از فعالیت‌ها و ایجاد حس آرامش، در نظر گرفته شده است. همچنین عوامل دوم، سوم و چهارم هر کدام به ترتیب از ۸، ۴ و ۷ گویه تشکیل شده‌اند که هر کدام از این عوامل به ترتیب ۱۰/۸، ۱۰/۳ و ۸ درصد از واریانس را توجیه می‌نمایند. مهم‌ترین گویه در عامل دوم (اجتماعی - فرهنگی)، وجود تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی و پیوند عاطفی بین ساکنین (برای رفع مشکلات، ارتباط روزانه و غیره)، مهم‌ترین گویه در عامل سوم (زیست محیطی)، برخورداری از فضای سبز و ارتباط با طبیعت، در جهت آرامش روحی و روانی ساکنین و مهم‌ترین عامل در گویه چهارم (ادراکی - زیباشناختی)، نورگیر بودن فضاهای اصلی (اتاق‌ها و نشیمن و آشپزخانه) است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که مفهوم سکونت برای انسان، تجلی‌گر مفاهیمی مرتبط با نیازهای وجودی او و در جهت تأمین آن‌ها است. لذا مفهوم سکونت، براساس ویژگی‌های فطری و درونی انسان تعریف می‌شود. انسان، زمانی می‌تواند در مکانی به مفهوم واقعی سکونت برسد که آن مکان / مسکن فراتر از بعد کمی به نیازهای وجودی، او را مرتبط نماید. در این صورت مسکن ترکیبی انتزاعی از بعد جسمانی و روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی، می‌شود. بدین‌گونه مسکن بازنمایی از ابعاد وجودی انسان می‌شود که انسان در آن می‌تواند به مفهوم واقعی سکونت و در پی آن به آرامش رسد. بدین ترتیب مفهوم سکونت، تصویر و مظهر نیازهای وجودی انسان می‌باشد. این چنین است که امروزه، با صنعتی شدن فرآیند ساخت و مدولارشدن طراحی و پیروی از الگوهای کمی و فراگیر معماری مدرن، صرفاً مسکنی این چنینی، بصورت خوابگاهی در پی پاسخ به نیازهای مادی و جسمانی انسان می‌باشند.

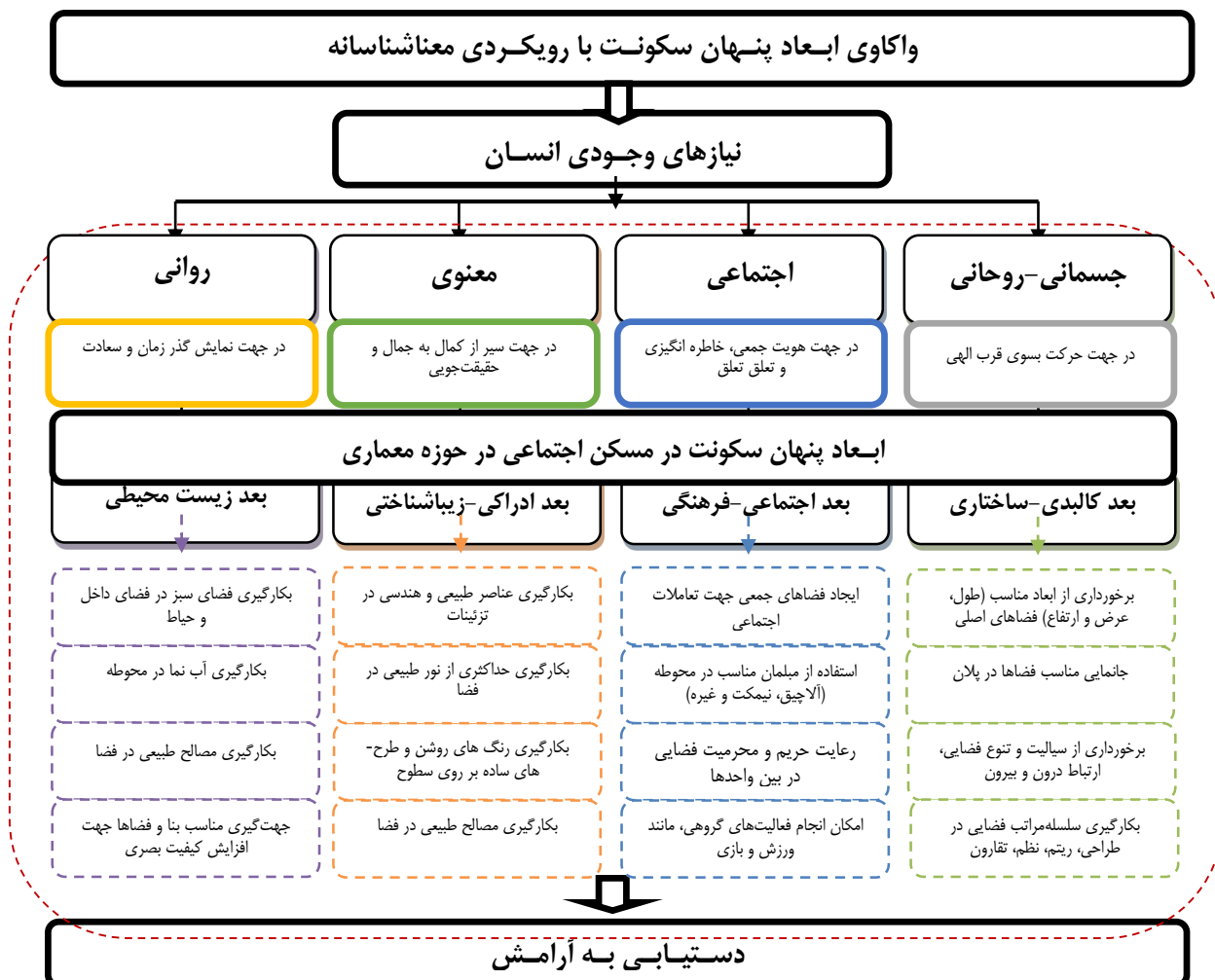
در ارتباط با پرسش دوم، با توجه به رویکرد این پژوهش که رویکردی معناشناسانه است. ابتدا مفاهیم مرتبط با نیازهای انسان شامل جسمانی - روحانی، اجتماعی، معنوی و روانی استخراج و نتایج نشان داد. تجلی مفهوم سکونت در حوزه معماری متأثر از چهار بعد است که شامل ابعاد کالبدی - ساختاری، اجتماعی - فرهنگی، ادراکی - زیباشناسانه و زیست - محیطی است. بعد کالبدی - ساختاری در قالب فضا، در درجه اول در جهت برطرف نمودن نیازهای جسمانی (پایین‌ترین

و آداب و رسوم، به‌عنوان بستر و بخش جدایی‌ناپذیر از مفهوم سکونت در این پژوهش بوده است. همچنین با توجه به آنکه این مقاله در حوزه معماری به بررسی ابعاد پنهان سکونت پرداخته است، لذا عواملی چون مکانیابی، دسترسی به خدمات شهری و اجتماعی (مراکز تجاری، خرید، درمانی و غیره) و وسایل نقلیه عمومی، در این حوزه قرار نمی‌گیرد. در پایان پیشنهادها جهت انجام پژوهش‌های آتی قابل طرح است.

۱- با توجه به آنکه رویکرد این مقاله، معناشناسانه بوده است، لذا می‌توان با بکارگیری رویکردهای دیگری، راهگشا و آغازگر رهیافتی در واکاوی مفهوم سکونت در مسکن اجتماعی و سایر اشکال مسکن شد؛

۲- با توجه به آنکه هدف اصلی مقاله حاضر واکاوی ابعاد پنهان سکونت در مسکن اجتماعی بوده است، لذا می‌توان با توجه به افزایش چنین سکونتگاه‌هایی در کشور، آنرا در انواع دیگر مسکن از جمله سازمانی، مسکن مهر و غیره بررسی نمود.

بوجود آورد (شکل ۶). قابل ذکر است با وجود آنکه در دهه‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی بر روی انواع مسکن و مساله سکونت انجام شده است، اما این پژوهش‌ها بیشتر در حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده و با نگاهی معمارانه به این موضوع پرداخته نشده است و علیرغم تلاش‌های صورت گرفته هنوز ابعاد پنهان سکونت در ارتباط با نیازهای انسان، با رویکردی معناشناسانه مورد بررسی قرار نگرفته است. آنچه در نهایت این مقاله بیان می‌دارد این است که انسان چهار سطح نیاز متناسب با ساحات حیات خود دارد که این نیازها باید در راستای ابعاد پنهان سکونت که همانا بعد اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- ساختاری، زیست محیطی و ادراکی- زیباشناختی است، تأمین شود. در ادامه به‌منظور کاربردی سازی نتایج پژوهش حاضر، راهکارهایی جهت طراحی در حوزه معماری ارائه شده است. یادآور می‌شود با توجه به آنکه بستر مطالعاتی در شهر همدان است، لذا نتایج این مقاله را می‌توان به مسکن اجتماعی شهر همدان تعمیم داد و عواملی چون فرهنگ، هویت



شکل ۶. پیشنهاداتی در خصوص طراحی مسکن اجتماعی در حوزه معماری با توجه به نیازهای وجودی انسان

پی‌نوشت‌ها

۱. Social Housing ۲. Norberg-Schulz ۳. Heidegger ۴. Rapaport ۵. Maslow

توکلی، نیکی و ماجدی، حمید (۱۳۹۲). عملکرد محیط‌های سبز و طبیعی در ارتقاء سلامت روحی - روانی انسان. *فصلنامه هویت شهر*، ۷(۱۳)، ۳۳-۲۳.

حجازی، مهرداد و مهدیزاده‌سراج، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه معنا، زیبایی، شکل و سازه در معماری دوران اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۱(۲)، ۲۲-۷.

حمزه‌نژاد، مهدی و دشتی، مینا (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایران از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. *فصلنامه نقش جهان*، ۶(۲)، ۳۵-۲۴.

دزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی. *فصلنامه هویت شهر*، ۸(۱۷)، ۲۴-۱۵.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رئسی، محمدمنان و نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۷). معناشناسی در آثار معماری از منظر اسلامی. *فصلنامه نقش جهان*، ۸(۴)، ۲۶۶-۲۶۰.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۳). *منشور جاوید*، جلد چهارم. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سقای، محسن، مؤذنی، احمد و ثنایی‌راد، امیر (۱۳۹۸). ارزیابی مسکن اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۷(۶۳)، ۱۹۵-۱۷۹.

سلطانی، زهرا و وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۶). تحلیلی بر رضایتمندی ساکنان از مسکن‌های اجتماعی اجاره به شرط تملیک. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*، ۷(۳)، ۱۲۷-۹۳.

صدری‌کیا، سمیه، بمانیان، محمدرضا و پورمند، حسن‌علی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی کارکردهای تمثیل با رویکرد بیان معنا در معماری ایرانی. *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۲(۲۹)، ۹۸-۸۱.

عبدلی سلطان احمدی، جواد، پاشوی، قاسم و فراست محمدی، معصومه (۱۳۹۲). بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام. *فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۷(۱۲)، ۳۶-۷.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری شیما اسلام‌پور با عنوان «خانه کجاست؟ انعکاس معنای خانه در مسکن اجتماعی امروزی در ایران» است که با راهنمایی آقای دکتر سعید میرریاحی و مشاوره خانم دکتر سوزان حبیب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابی تفرش در حال انجام است.

منابع

آقالطیفی، آزاده و حجت، عیسی (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۲۳(۴)، ۵۴-۴۱.

آصفی، مازیار و ایمانی، الناز (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴(۲)، ۷۵-۵۶.

احمدی، سارا و حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب جهانی. *فصلنامه معماری و شهرسازی*، ۲۹(۴)، ۸۴-۵۹.

اعتدادی‌پور، مرضیه (۱۴۰۰). تحلیل معنا در معماری مسکن سنتی ایرانی با تأکید بر نقش نشانه‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۹(۴)، ۱۰۶-۹۵.

امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد و دلداده، محمدعلی (۱۳۹۴). بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلامی. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۱۴(۴۰)، ۵۹-۴۷.

ایلیکا، شاهین، منصوری، بهروز، نصیرسلامی، محمدرضا و صارمی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۳۹(۱۴)، ۱۸۸-۱۶۵.

بمانیان، محمدرضا و عظیمی، فاطمه (۱۳۸۹). انعکاس معانی مبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۲)، ۴۸-۳۹.

- نقره‌کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ و تقدیر، سمانه (۱۳۹۳). بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ-گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۵(۱۵)، ۳۴-۲۱.
- نقره‌کار، عبدالحمید و رئیس، محمدمنان (۱۳۹۰). تحلیل نشانه‌شناختی سامانه مسکن ایرانی بر پایه ارتباط لایه‌های متن / مسکن. *فصلنامه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۳(۴۶)، ۱۴-۵.
- وحدت، سلمان، کریمی مشاور، مهرداد و بخشی بالکانلو، عادل (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران. *فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۶)، ۱۴۴-۱۲۹.
- وزیری‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷). تفاوت نظام مسکن در کشورهای درحال توسعه با تجارب اروپایی، با تأکید بر بازتعریف مفهوم و نقش مسکن اجتماعی در برآوردن نیاز مسکن اقشار کم درآمد. *فصلنامه نامه معماری و شهرسازی*، ۱۰(۲۰)، ۶۸-۴۹.
- Amirjani, Rahmatollah. (2020). *The History of Social Housing: An Ongoing Story*. Univerdity Canberra Publication.
- Heidegger, Martin. (1976). *The Concept of Time*. (Translated from English to Persian by A. Abdollahi). Tehran: Nashr Markaz Publication.
- Norberg-Schulz, Christian. (1984). *The Concept Of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture*. (Translated from English to Persian by M Amir Yarahmadi). Tehran: Agah Publication.
- Rapoport, A. (1982). *The meaning of the built environment, a nonverbal communication approach*. (Translated from English to Persian by F. Habib). Tehran: Pardazesh & Barnamehrizi Shahri Publication.
- Strauss, A. L & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. (B. Mohammadi, Trans). Tehran: Pajoheshgah Oloum Ensani Publication.
- علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۲(۱۴۱)، ۳۶-۱۹.
- قرآن مجید (۱۳۷۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: پیراسته.
- کبیری سامانی، علی، ملکوتی، علیرضا و یادگاری، زهره (۱۳۹۵). بازشناسی معنی خانه در قرآن. *فصلنامه باغ نظر*، ۱۳(۴۵)، ۷۶-۶۱.
- کریمی، مهسا، حجت، عیسی و شهبازی‌چگنی، بهروز (۱۳۹۷). جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. *فصلنامه باغ نظر*، ۱۵(۶۱)، ۱۶-۵.
- کوچکیان، مسعود، آیوازبان، سیمون، دیبا، داراب و نوروزبرازجانی، ویدا (۱۳۹۶). بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۱۶(۴۹)، ۲۸۶-۲۶۳.
- مسعودی‌راد، ماندانا، ابراهیم‌زاده، عیسی و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۴). سنجش پایداری مسکن در سیاست‌های مسکن اجتماعی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه-ریزی شهری*، ۳(۴)، ۴۶۵-۴۴۷.
- مظفر، فرهنگ، نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی و معین-مهر، صدیقه (۱۳۹۶). معناشناسی حیات و سرزندگی در آموزه‌های اسلامی و بررسی تأثیر آن در محله. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۵(۱)، ۳۳-۱۸.
- مفیدی شمیرانی، مجید، کامران کسمایی، حدیثه و مفیدی، محمدرضا (۱۳۹۵). *مسکن اجتماعی: تبلور هویت، فرهنگ پایداری*. تهران: مؤسسه علم معمار روپال.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۹۳). *سیری در مبنای نظری معماری*. چاپ نهم. تهران: انتشارات سیمای دانش.
- معین، محمد (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*، جلد چهارم، تهران: انتشارات سپهر
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، عظمتی، حمیدرضا و صادقی حبیب‌آباد، علی (۱۳۹۷). بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء حس معنویت در معماری. *فصلنامه معماری شهر پایدار*، ۱(۱)، ۷۸-۶۱.
- نصرت‌پور، دریا، انصاری، مجتبی و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۹). تبیین نقش ادراکات حسی در میزان خاطره‌انگیزی میدان‌های شهری. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۱۲(۴۴)، ۶۵-۴۷.